

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی
سال ششم، شماره پیاپی ۱۶، شماره اول، بهار ۱۳۹۶
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۱۳
صص ۴۷-۷۲

تحلیل جامعه‌شناختی خشونت خانگی علیه زنان و رابطه آن با احساس امنیت در خانه (مطالعه موردی زنان ۱۸-۵۴ سال شهر میانه)

پروانه دانش، دانشیار، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، ایران
محمدحسن شربتیان، مربی، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام‌نور، ایران*
پویا طوافی، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه پیام‌نور، ایران

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان و مطالعه عوامل اثرگذار بر آن انجام شده است. چارچوب نظری از رهیافت ترکیبی در حوزه خشونت خانگی و از نظریه‌هایی مانند منابع، یادگیری اجتماعی، جامعه‌پذیری جنسیت، نظریه‌های فمینیستی و حوزه امنیت از دیدگاه گیدنز (امنیت وجودی) استفاده شده است. در این تحقیق از روش پیمایش کاربردی استفاده شده است و جامعه آماری آن، زنان ۱۸ تا ۵۴ سال و ساکن شهر میانه در سال ۱۳۹۳ را شامل می‌شود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، برابر ۳۸۱ نفر و شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای است که با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه محقق‌ساخته، اطلاعات از پاسخ‌گویان جمع‌آوری شده است. نتایج نشان می‌دهد بین انواع خشونت علیه زنان (مالی، جسمی، جنسی، اجتماعی، عاطفی، کلامی و روانی)، شایع‌ترین نوع آن در این شهر، خشونت‌های عاطفی، کلامی و روانی بوده است. همچنین احساس امنیت زنان در خانه در سطح متوسط و رو به پایین ارزیابی شده است. رابطه بین انواع خشونت و احساس امنیت زنان در خانه به صورت منفی و معکوس به دست آمده است که بالا رفتن هر یک از انواع خشونت را نشان می‌دهد؛ در نتیجه، میزان احساس امنیت در خانه کاهش می‌یابد. نتایج رگرسیون نشان می‌دهد بین متغیرهای اثرگذار نگرش مردسالاری، پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان، تجربه و مشاهده خشونت و تحریک روانی شوهر بر خشونت، متغیر نگرش مردسالارانه (پدرسالاری) با مقدار بتای ۰/۵۰ به‌طور مستقیم بیشترین تأثیر را بر خشونت علیه زنان دارد.

کلیدواژه‌ها: احساس امنیت، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، پدرسالاری، خشونت خانگی، زنان.

* Email: sharbatian@pnu.ac.ir

* نویسنده مسئول: ۰۹۳۸۵۰۵۷۴۸۹

مقدمه و بیان مسأله

خانواده، نخستین و پایدارترین نهاد اجتماعی است که هویت انسانی و جامعه‌پذیری فرد در آن شکل می‌گیرد و پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، انتقال الگوهای روابط و تعامل به سایر نهادهای اجتماعی را سبب شده است. بدون شک، هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی از تأثیر خانواده جدا نیستند. نهاد خانواده هنگامی کارکرد خود را به‌درستی انجام می‌دهد که دچار نابسامانی و آشفتگی نباشد. خشونت، سلامت و امنیت خانواده را تهدید می‌کند. خشونت خانگی یا خشونت علیه زنان^۲ در خانواده، شایع‌ترین شکل خشونت علیه آنهاست که در آن، رفتار خشن یکی از اعضای خانواده (معمولاً مرد) نسبت به یکی دیگر از اعضای خانواده (معمولاً زن) است (Swan & Sullivan, 2009: 942).

سازمان ملل، خشونت را چنین تعریف کرده است: هر نوع عمل خشونت آمیزی است که بر اختلاف جنسیت مبتنی باشد و به آسیب یا رنج بدنی، جنسی یا روانی زنان بیانجامد یا احتمال منجر شدن آن به این نوع آسیب‌ها و رنج‌ها وجود داشته باشد؛ مانند تهدید به این‌گونه اعمال، زورگویی یا محروم‌سازی خودسرانه از آزادی، خواه در حضور عموم یا در زندگی خصوصی روی دهد (قطعه‌نامه ۱۰۴/۴۸ مجمع عمومی ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳).

خشونت علیه زنان پدیده‌ای است که زن به دلیل جنسیت خود، جنس مخالف (مرد) به او اعمال زور و حق وی را ضایع می‌کند. چنانچه خشونت در چارچوب خانواده و بین زن و شوهر باشد، خشونت خانگی تعبیر می‌شود و به هر نوع عمل یا احتمال رفتاری که به آسیب جسمی، جنسی، روانی یا محرومیت و عذاب منجر شود، خشونت علیه زنان گفته می‌شود (نهادی، ۱۳۸۶: ۱۲۶).

وجود رفتار خشونت آمیز بین افراد علاقمند به یکدیگر، طبق باور عمومی (ادراکات عامه) و روابط شکل گرفته برپایه محبت و صمیمیت، اهمیت خشونت علیه زنان را مشخص

می‌کند. خشونت در الگوهای خانوادگی به جامعه و تداوم الگوها و رفتارهای خشن در مناسبات اجتماعی سرایت می‌یابد. بچه‌هایی که مادران آنها از طرف پدر آزار فیزیکی شده‌اند، در معرض خطر بیشتری برای انتقال رفتارهای خشونت آمیز به نسل بعدی قرار دارند (انجمن روان‌شناسی آمریکا، ۱۹۹۶: ۵۲۷). شوهرانی که اقدام به کتک‌زدن زنان خود می‌کنند، در خانواده پدری شاهد کتک‌خوردن مادران از پدرانشان بوده‌اند (روی، ۱۳۷۷: ۲۱۴). زن‌آزاری در طول نسل منتقل می‌شود و نسل حاضر و نسل بعد را تهدید می‌کند (ناز پرور، ۱۳۷۶: ۶۹). سابقه زد و خورد در والدین (شاهد خشونت والدین در خانواده مبدأ بودن)، بیشتر از مسائل محیطی در مسئله زن‌آزاری مؤثر است (کلامی، ۱۳۷۸: ۷۵).

امنیت نیز از نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان است؛ به طوری که با زوال آن، آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می‌گیرد و مرتفع شدن بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تأمین امنیت است؛ چنانکه آبراهام مازلو^۳ نیز در سلسله مراتب نیازها، احساس امنیت را بلافاصله پس از ارضای نیازهای اولیه قرار می‌دهد.

امنیت، پدیده‌ای چندبعدی است؛ اما خشونت خانگی واقعیت تلخی است که اغلب زنان آن را تجربه کرده‌اند و این امر همواره در طول تاریخ وجود داشته و سبب کاهش احساس امنیت زنان شده است. امروزه زنان در این زمینه، حمایت‌های قانونی بیشتری دارند؛ اما هنوز خشونت خانگی بسیار رایج است؛ زیرا با وجود بهبود در وضعیت قانونی، توسل به قانون برای زنان (که دچار خشونت خانگی می‌شوند) بسیار دشوار است و در بیشتر موارد، پلیس مداخله نکردن را ترجیح می‌دهد و به آرام کردن مشاجره اکتفا می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۱: ۲۱۸).

درواقع، امنیت یعنی رفع خطر و رفع خطر یعنی استفاده بهینه از فرصت؛ بنابراین، باید چنین نتیجه گرفت که امنیت، دو عنصر اساسی تهدید و فرصت دارد و برقراری امنیت منوط

³ Abraham Maslow

¹ violence

² violence against women.

خشونت به چشم می‌خورد پدیده جاودانی شدن خشونت است. پدیده خشونت و پرخاشگری، منحصر به طبقه یا قشر خاصی نیست؛ بلکه در همه طبقات، قشرها و پایگاه‌های اجتماعی دیده می‌شود (نوابی‌نژاد، ۱۳۹۴).

واکنش افراد به خشونت به طور عمده شامل پذیرش نگرش‌های حمایت‌کننده از تجاوز بوده است. زیرا نگرش‌ها و واکنش‌های افراد، تنش بزرگی در گزارش‌کردن خشونت و تجاوز ایجاد می‌کند و در نوع واکنش قربانیان در مقابل تجربه‌های خشونت نیز مؤثر است (Sheldon & Parent, 2002: 15).

در جمع بندی کلی، خشونت خانوادگی، در محیط خلوت و خصوصی خانواده رخ می‌دهد و عموماً بین افرادی است که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی یا قانونی به هم پیوند خورده‌اند. این خشونت‌ها را بیشتر، مردان نسبت به زنان روا داشته‌اند (آقایگلویی و آقاخانی، ۱۳۷۹: ۷۷-۷۸) و به انواع مختلفی از جمله خشونت فیزیکی، جنسی، عاطفی، کلامی، مالی، روانی و اجتماعی طبقه‌بندی می‌شوند.

باورهای مردسالار حاکم بر جامعه، این خشونت‌ها را طبیعت مرد می‌داند و سعی در توجیه آن دارد و گاهی رنگ و سیاق اخلاقی و ناموسی به آن می‌دهد. این باورها، چنان در ذهن مرد و زن ایرانی از کودکی ریشه دوانده که اگر زن یا دختری در مقابل این خشونت‌ها مقاومت کند با برچسب‌ها و احکامی سخت‌تر روبه‌رو خواهد شد که اطرافیان و هم‌جنسان خود به او می‌دهند. نگرش‌های فرهنگی خانواده‌های ایرانی براساس تحمل و تبعیت زنان و فرزندان از درخواست‌های شوهر - پدر شکل گرفته است و خشونت‌های روزمره و محدود، تربیت در نظر گرفته می‌شوند؛ در نتیجه، بسیاری اوقات، فرد تحت خشونت، درکی از ستم وارد بر خود ندارد؛ اما عجیب آنکه زنان این موضوع را بیشتر از مردان توجیه می‌کنند (Kathleen & Krause, 2015). این درحالی است که بسیاری بر نقش انکارناپذیر زنان، مدیران داخلی خانواده، تأکید دارند. بی‌تردید زن ایرانی نسبت به زنان جوامع دیگر، از

به‌رهایی نسبی از تهدید و بهره‌گیری بهینه از فرصت‌هاست (خلیلی، ۱۳۸۱: ۴۲۸). براین اساس، امنیت خانواده به خصوص زنان عبارت است از حفظ حریم زندگی خانوادگی از خطرات و تهدیدات و ارتقای سطح زندگی خانوادگی با تدابیری که برای کسب فرصت‌های زندگی گرفته می‌شود. در اینجا خطرات و تهدیدات به کلیه مخاطراتی گفته می‌شود که در روابط گرم و عاطفی، صمیمی و محبت‌آمیز خانواده اختلال ایجاد کند و احساس نزدیکی و همدلی میان آنان را از بین می‌برد (چلبی، ۱۳۷۵: ۷۰). درواقع، حراست و نگهداری از احساس «مایی» خانواده، ریشه در حفظ روابط گرم، عاطفی و صمیمانه بین افراد دارد (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۸۸).

همچنین در این تحقیق احساس امنیت زنان عبارت است از میزان آرامش خاطر ذهنی و روانی زنان درباره اینکه در زندگی روزمره خود چقدر در برابر خطرات احتمالی و خشونت علیه آنها در خانواده مصونیت دارند. کوینگتون^۱ و تیلور^۲، احساس امنیت را واکنش عاطفی به جرائم خشونت‌بار احتمالی و آسیب‌های فیزیکی در نظر می‌گیرند (طاهری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۳). باتوجه به روند رشد خشونت در خانواده و تسری آن به تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی، نقش محوری زنان در کلیه ابعاد زندگی و اینکه پزشکان قانونی همه روزه با تعداد زیادی از زنان مصدوم‌شده و حتی در مواردی با اجساد آنان در تالار تشریح روبه‌رو می‌شوند، بررسی این پدیده و علل آن به نظر اجتناب‌ناپذیر می‌رسد. تأثیر خشونت، تنها به فرد قربانی محدود نمی‌شود و بر افراد دیگر، سازمان‌ها، نهادها و در نهایت کل جامعه تأثیر می‌گذارد. تأثیر اعمال خشونت‌آمیز بر یک فرد به‌طور «شعاعی»^۳ در جامعه پخش می‌شود و افراد دیگر را نیز دربرمی‌گیرد و پدیده‌ای با نام «گردش خشونت»^۴ به وجود می‌آورد که خشونت را در جامعه، همیشگی می‌کند. ویژگی بسیار مهمی که در اثر اعمال

¹ Covington.

² Taylor

³ radial

⁴ roll violence

جایگاه واقعی خود فرسنگ‌ها به دور است. نابرابری تاریخی مندرج در فرهنگ که ریشه در باورهای ما دارد، با تغییراتی از قبیل انقلاب ایران، مدرنیته (البته مدرنیته و جهانی سازی، خود به نوعی به ایجاد و ابداع خشونت‌های مدرن علیه زنان و دختران منجر شده است)، جنبش‌های فمینیستی و ورود به جامعه جهانی، شکاف‌هایی خورده است؛ اما همچنان پابرجاست (ارجمند و دشتی نژاد، ۱۳۸۹: ۹۴-۹۵)؛ بنابراین، با عنایت به این مهم که این پدیده در شهری چون میانه در مناسبات خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی ظهور بیشتری می‌یابد، نیاز دوچندان برای بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن دارد.

شهر میانه از نظر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، بافتی تقریباً سنتی و قومیتی دارد و با وجود تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انجام شده در دهه‌های اخیر در کل کشور و شهرستان میانه، به نظر می‌رسد هنوز نهادهای سنتی، تسلط و حاکمیت بیشتری در این شهرستان و توابع آن دارند و خانواده، واحد اقتصادی مهم و دربرگیرنده رفتارهای اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی است. در چنین شرایطی عواملی همچون پدرسالاری؛ توجه‌نداشتن به مقام و منزلت زن؛ اعتقاد به نان آور بودن مردان؛ بی‌سوادی بیشتر زنان خانه دار (باتوجه به سرشماری سال ۱۳۹۰ شهرستان میانه حدود ۶۲۰۰ نفر بوده که برابر با ۶۳٪ است)؛ درصد پایین مشارکت‌های اقتصادی و اجتماعی زنان، زمینه‌های توانمندی زنان را تقویت می‌کند و احتمال دارد صمیمیت واقعی بین زوجین را کاهش دهد و با افزایش رفتارهای خشونت آمیز نسبت به اعضای خانواده به ویژه زنان همراه باشد. در پژوهش حاضر، جامعه شناختی خشونت علیه زنان در شهرستان میانه مطالعه و تحلیل شده است تا عوامل مرتبط با شدت بخشیدن به خشونت یا کاهش آن، شناسایی و انواع خشونت و میزان آن در خانواده بررسی شود. این پژوهش درصدد تحقق اهداف ذیل انجام شده است:

۱- تعیین میزان رابطه بین میزان خشونت علیه زنان در

شهر میانه با میزان احساس امنیت آنان در محیط خانواده.
۲- تعیین رابطه میان عواملی مانند نگرش مردسالارانه (پدرسالاری)، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، تحریک روانی و عصبی شوهر از سوی همسر و خشونت خانواده شوهر علیه زن با میزان اعمال خشونت‌های خانگی علیه زنان.
۳- بیان راهکارها و راهبردهایی برای کاهش این پدیده اجتماعی (خشونت علیه زنان) و پیشبرد و ارتقای امنیت زنان در محیط خانواده.

ادبیات تحقیق

از مطالعات انجام شده در زمینه خشونت خانگی (خشونت علیه زنان) به موارد زیر اشاره می‌شود:
درخشان پور و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان شیوع خشونت خانگی علیه زنان در بندرعباس، خشونت خانگی و انواع آن را بررسی کرده‌اند. یافته‌ها و نتایج نشان می‌دهند که ۹۲٪ از زنان مورد خشونت خانگی قرار گرفته‌اند. شایع‌ترین نوع خشونت علیه این زنان خشونت روانی (۵۴٪) ارزیابی شده است و خشونت کلامی، فیزیکی و جنسی به ترتیب با مقادیر ۳۱٪، ۲۴/۸٪ و ۶/۸٪ در رتبه‌های بعدی قرار داشته‌اند. در این پژوهش دو عامل مهم اثرگذار بر خشونت خانگی، سطح تحصیلات و اعتیاد همسر در خانواده بیان شده است.

صدقاتی فرد و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان در خانواده (با تأکید بر تأثیر نظام اقتداری در خانواده)، عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر این پدیده را بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نگرش مردسالارانه، تجربه و مشاهده خشونت، نظام اجتماعی سنتی و نبود منابع قدرت تأثیر معناداری بر خشونت علیه زنان دارد و همچنین رابطه معنی‌داری بین خشونت علیه زنان و سنین مختلف به دست آمده است.

محمدی و میرزایی (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان

مطالعات سازمان بهداشت جهانی درباره بهداشت زنان و خشونت خانگی - نشان داد درآمد خانواده، رابطه منفی با خطر تجربه خشونت علیه زنان دارد. سکونت در خانواده کم درآمد و زندگی در جامعه ای با درآمد کم، رابطه ای با خطر تجربه خشونت علیه زنان ندارد. این نتایج از سطح خانگی در رابطه بین درآمد و خشونت علیه زنان در بنگلادش حمایت می کند و از سطح اجتماعی آن حمایت نمی کند.

کراوس و همکاران^۲ (2015) در مقاله ای با عنوان چرا زنان اغلب خشونت علیه زنان متأهل را بیشتر از مردان توجیه می کنند؟ اعلام می دارند که خشونت علیه زنان سلامتی زن و فرزندانش را به خطر می اندازد. آنها میزان یافتن دلیل موجه برای کتک زدن زنان در هر دو جنس را مقایسه و ارزیابی کرده اند که آیا تفاوت های تجربه کودکی و منابع و محدودیت های بزرگ سالی این تفاوت ها را توجیه می کنند یا نه. ۵۲۲ مرد و ۵۳۳ زن متأهل در ویتنام بررسی شدند. در همه وضعیت ها، زنان نسبت به مردان دلیل بهتری برای کتک زدن زن یافته بودند. بین مردان، در معرض خشونت قرار گرفتن در بزرگ سالی با توجیه کتک زدن زن رابطه داشت؛ اما در زنان بین این دو رابطه منفی وجود داشت.

هان سونگ و همکاران^۳ (2015) نیز در مقاله ای با عنوان عوامل مؤثر در خشونت علیه زنان متأهل در نپال، عوامل اجتماعی مؤثر در خشونت علیه زنان را بررسی کرده اند. نتایج نشان داد ۲۸/۳۱٪ از جمعیت در سال گذشته، خشونت را تجربه کرده بودند. بی سوادی زنان، وضعیت پایین اقتصادی، سابقه خشونت در خانواده و نبود استقلال در تصمیم گیری با خشونت رابطه نشان داد. با در نظر گرفتن سابقه خانوادگی معلوم شد که سطح سواد شوهر و تعداد فرزندان عوامل مؤثر در بروز خشونت هستند. در سطح اجتماعی، زنانی که بیشتر در معرض خشونت قرار می گرفتند زنان منطقه ترای و همچنین زنان متعلق به گروه های نژادی و کاستی بودند. این

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان (مطالعه موردی شهرستان روانسر)، رابطه بین همسرآزاری (خشونت علیه زنان) و برخی عوامل مؤثر بر آن را بررسی کرده اند. یافته های تحقیق نشان می دهند خشونت روانی و خشونت جنسی بیشترین میزان خشونت های رایج است و کمترین میزان آن، خشونت اقتصادی است. همچنین نتایج گویای این است که بین تصور اقتدارگرایانه مرد از نقش خود و خشونت علیه زنان رابطه مستقیم و معناداری وجود داشته است.

سیاه پوش و دشتی نژاد (۱۳۸۹) مقاله ای را با عنوان بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر خشونت علیه زنان در شهر اهواز انجام داده اند. نتایج نشان می دهد بین فقر معیشتی، اشتغال نداشتن، اعتیاد مردان، تعدد زوجات، نابرابری جنسیتی، نگرش مردسالارانه، بی سوادی مردان، پایین آمدن آستانه تحریک در جوانان و خشونت خانوادگی علیه زنان رابطه معناداری وجود دارد.

علیوردی نیا و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله ای با عنوان تبیین نگرش دانشجویان دختر نسبت به خشونت علیه زنان، آزمون تجربی دیدگاه های یادگیری اجتماعی، نگرش دانشجویان نسبت به خشونت بر ضد زنان را بررسی کرده اند. نتایج گواه است که تمامی فرضیه های تحقیق تأیید شده اند و از بین ۵ متغیر مستقل موجود، تجربه خشونت (۰/۴۷) قوی ترین و مهم ترین پیش بینی کننده (مستقیم) نگرش نسبت به خشونت علیه زنان است. پس از آن به ترتیب متغیرهای جامعه پذیری (۰/۲۳)، مشاهده خشونت (۰/۲۲)، الگوی پاداش و تنبیه (۰/۱۴) و تقلید از والد هم جنس (۰/۱۱) بیشترین تأثیر را بر نگرش نسبت به خشونت علیه زنان داشته است.

کریستین واندراند و همکاران^۱ (2015) در مقاله ای با عنوان وضعیت اقتصادی جامعه و خشونت علیه زنان در بنگلادش، روابط سطوح خانگی و اجتماعی بین درآمد و خشونت علیه زنان در بنگلادش را بررسی کرده اند؛ تحلیل آنها از داده های به دست آمده از مصاحبه با زنان - بخشی از

² Krause et al.

³ Song et al.

¹ Vanderende et al.

مبانی نظری

طبق تعریف سازمان ملل متحد در سال 1993، خشونت علیه زنان عبارت است از هرگونه رفتار خشن وابسته به جنسیت که آسیب یا با احتمال آسیب جسمی، جنسی یا روانی مضر و همراه با رنج زنان را موجب شود. خشونت‌های خانوادگی (خشونت علیه زنان) به انواع زیر طبقه‌بندی می‌شود: ۱- خشونت جنسی^۳: این خشونت ممکن است در حیطه زندگی خصوصی، زناشویی و خانوادگی اتفاق بیفتد و به صورت الزام به تمکین از شوهر یا رابطه محارم با یکدیگر در حلقه خویشاوندی علیه زن اعمال شود (مهرانگیز کار، ۱۳۸۱: ۳۴۶)؛ ۲- خشونت جسمی (فیزیکی): در واقع نوعی اقدام فیزیکی برای آسیب رساندن، ترساندن یا کنترل کردن همسر (اعزازی، ۱۳۸۳: ۸۱۳)؛ ۳- خشونت روانی^۴: رفتار خشونت آمیزی که شرافت، آبرو و اعتماد به نفس زن را خدشه دار می‌کند؛ ۴- خشونت مالی^۵: در بسیاری از نقاط جهان، زنان به نیروی کار بی‌چیره و مواجب هستند و چنانچه مردان خانواده نخواهند از خود سخاوتی نشان دهند، ادامه زندگی زنان به مخاطره می‌افتد (اعزازی، ۱۳۸۳: ۲۰۹)؛ ۵- خشونت اجتماعی^۶: ممنوعیت ملاقات با دوستان و خویشاوندان؛ ۶- خشونت عاطفی: کوتاهی در برآوردن نیازهای فیزیولوژیک (آقابگیوی و آقاخانی، ۱۳۷۹: ۸۱)؛ ۷- خشونت کلامی: رفتار خشنی که مرد در گفتار خود نسبت به زن آشکار می‌کند.

نظریه‌های مختلفی در سطح خرد، میانه و کلان وجود دارند که درصدد تشریح خشونت خانوادگی، به خصوص خشونت نسبت به زنان برمی‌آیند. نظریه‌های سطح میانه که عموماً از چشم‌انداز روان‌شناسی اجتماعی به پدیده خشونت علیه زنان نگاه می‌کند، تعامل افراد با محیط اجتماعی را منبع خشونت می‌داند. بخش عمده‌ای از پژوهش‌های مرتبط با حوزه خشونت خانگی در نگرش روان‌شناسی اجتماعی بر پایه فرضیه‌هایی است که از یادگیری یا انتقال میان نسلی خشونت

یافته‌ها نیاز به اعمال سیاست بافت خاص و ایجاد برنامه‌های مداخله‌گری برای کم‌کردن خشونت علیه زنان در نپال را پیشنهاد می‌کرد.

کلمندی^۱ (2015) در مقاله‌ای با عنوان خشونت خانگی علیه زنان در کوزوو، معتقد است تحقیقات درباره خشونت‌های مبتنی بر جنس، خشونت‌های خانگی از جانب مردان، موضوع جدی و مربوط به حقوق بشر است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد فقر/ فرهنگ پدرسالاری و نقشه‌ای جنسیتی که بسیار محدود توصیف شده‌اند و نبود برنامه‌هایی برای سامان بخشی به زنان، آنها را در حالت انفعال و در معرض خشونت قرار داده است.

جایوب کیم و همکاران^۲ (2009) در مقاله‌ای با عنوان وقوع خشونت خانوادگی و اثرات آن بر روی سلامت روانی و اجتماعی زنان در کره جنوبی، نقش خشونت علیه زنان بر سلامت روانی و اجتماعی آنها را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد میزان وقوع خشونت‌های روانی، فیزیکی، جنسی از جانب شوهر در بین زنان کره جنوبی به ترتیب ۲۶/۴٪، ۲۹/۵٪، ۳/۷٪ است. همچنین رابطه معناداری بین مشاهده و تجربه خشونت در خانواده پدری با خشونت علیه زنان به دست آمده است. نتایج نشان می‌دهد زنانی که شوهرانشان با آنها رفتار خشونت آمیز دارند، نسبت به زنانی که چنین تجربه‌ای را نداشته‌اند افسردگی، اختلال عملکردهای اجتماعی و عزت‌نفس پایین‌تری داشته‌اند.

باتوجه به تحقیقات انجام‌شده، تفاوت این تحقیق این است که در ایران فقط خشونت علیه زنان و برخی عوامل مؤثر بر آن بررسی شده است. در این تحقیق سعی شده است تحلیل جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان و مطالعه عوامل اثرگذار بر آن و تأثیر خشونت و انواع آن بر احساس امنیت زنان در محیط خانواده مطالعه شوند. احساس امنیت در این تحقیق براساس سه بعد از امنیت (جانی، مالی، هویتی) و به صورت ذهنی سنجیده می‌شود.

³ sexual violence

⁴ phycological abuse.

⁵ financial brutality.

⁶ societal violence.

¹ Kelmendi

² Kim

دفاع می‌کند.

نظریه یادگیری اجتماعی^۱ مروهون تحقیقات آلبرت (۱۹۷۷) است (حضوری، ۱۳۸۵: ۸۲). براساس این نظریه، نه انگیزه‌های فطری معطوف به خشونت و نه سائق‌های تحریک شده ناشی از ناکامی ریشه پرخاشگری انسان است؛ بلکه انسان‌ها به دلایل زیر به همدیگر پرخاش می‌کنند: ۱- از تجربیات گذشته، واکنش‌های پرخاشگری را یاد گرفته‌اند؛ ۲- برای انجام اعمال پرخاشگرانه انتظار پاداش گوناگون داشته‌اند یا به دست می‌آورند؛ ۳- شرایط اجتماعی خاصی آنها را به سمت پرخاشگری سوق می‌دهد (باندورا، ۱۳۷۲). نظریه یادگیری اجتماعی بیان می‌کند فراگیری رفتار با مشاهده و یا تجربه مستقیم رفتار به دست می‌آید و انتخاب الگوی یادگیری به عواملی مانند سن، جنس، موقعیت و جنبه‌های دیگر مشترک بستگی دارد (کاپلان، ۱۳۷۹: ۲۷۷). در این نظریه، باندورا به روند فراگیری و یادگیری خشونت با مشاهده و تقلید تأکید می‌کند (Bndura, 1975).

تغییرپذیری نقش و منابع قدرت در خانواده که عموماً با ایجاد زمینه‌های شغلی و تحصیلی برای زنان به وجود می‌آید، از دیگر عواملی است که به خشونت علیه زنان منجر می‌شود. این بحث، نظریه منابع^۲ را به میان می‌آورد. ویلیام گود^۳ نخستین کسی بود که نظریه منابع را درباره خشونت مطرح کرد. از نظر او خانواده مانند هر نظام اجتماعی دیگری سلسله مراتبی از اقتدار دارد و هر کس به منابع مهم خانواده بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد، دیگر اعضا را به فعالیت برای اهداف خود مجبور می‌کند. براساس این نظریه، هرچه منابع در دسترس افراد بیشتر باشد، کمتر از دیگران به اعمال قدرت به روش خشونت فیزیکی دست می‌زند؛ زیرا منابع متعدد دیگری دارند که با آن قادر به اعمال قدرت هستند؛ اما افرادی که رتبه پایین اقتصادی و اجتماعی دارند از زور بدنی استفاده

می‌کنند؛ زیرا سایر منابع در اختیارشان، برای رسیدن به اهدافشان ناکافی است (Hoffman et al., 1994: 131-146). براساس این نظریه، یک رابطه آشکار بین قدرت و منابع در خانواده وجود دارد و قدرت، توانایی بالقوه یک عنصر برای نفوذ و تسلط بر رفتار دیگری تعریف می‌شود (حضوری، ۱۳۸۵: ۸۲).

دیدگاه فمینیستی^۴ معتقد است خشونت علیه زنان به‌خصوص خشونت خانگی، ریشه در فرهنگ و ساختار سیاسی جامعه دارد که پدرسالاری را تشویق می‌کند و زنان در روابط صمیمی زیر سلطه مردان قرار می‌گیرند (Blanca & et al., 2004: 239-240). این دیدگاه، تسلط مرد و اجتماعی شدن برای استفاده از قدرت را منشأ خشونت می‌داند و بیان می‌کند خشونت خانگی نتایج پدرسالاری و تسلط مرد و نابرابری جنسی است (Zavala, 2007: 8).

خشونت علیه زنان از وضعیت فرودست آنها در رابطه با مردان و نظام خانوادگی پدرسالار ناشی می‌شود و تبیین آن در نظریه‌های یادگیری اجتماعی، ناسازگاری پایگاهی و تضاد منابع، تنها در چارچوب ساختارهای فرهنگی پدرسالار معنادار است؛ اما اگر ساختارهای اقتداری پدرسالارانه را به تعبیر فوکو (سلطه‌گفتمانی) بدانیم، این سلطه به‌ناچار با اشکال متعددی از مقاومت روبه‌رو می‌شود (ضمیران، ۱۳۸۷: ۱۵۶).

پدرسالاری، یک صورت اجتماعی است و تقریباً در سراسر جهان وجود دارد؛ زیرا مردان بیشترین منابع قدرت مادی و جسمانی را برای اعمال نظارت بر زنان بسیج می‌کنند و هنگامی که این قدرت مادی و جسمانی حاکم باشد منابع دیگر قدرت، مانند قدرت عقیدتی، حقوقی و عاطفی نیز به کار برده می‌شوند. خشونت جسمانی آخرین حربه دفاع از پدرسالاری است که در روابط بین اشخاص و گروه‌ها برای حفاظت از پدرسالاری در برابر مقاومت فردی و گروهی زنان غالباً به کار برده می‌شود (ریتزر، ۱۳۸۳: ۴۸۸-۴۹۱). درهرحال خشونت خانگی ازجمله عواملی است که احساس امنیت زنان

¹ social learning theory.

² Bndura.

³ resource theory

⁴ Good

⁵ feminist theory

خود است. برای علقه امنیتی چهار بعد اساسی در نظر گرفته شده است که عبارتند از: امنیت مالی، جانی، گروهی و فکری (شیخی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۵-۴۴). گیدنز در بحث امنیت، به مفهوم امنیت وجودی اشاره می‌کند؛ امنیت وجودی عبارت است از «ایمن بودن، یعنی در اختیار داشتن پاسخ‌هایی در سطح ناخودآگاه و خودآگاهی عملی برای بعضی پرسش‌های وجودی بنیادین که همه آدمیان طی عمر خود به نحوی مطرح کرده‌اند. به عبارت دیگر، این اصطلاح به اطمینانی برمی‌گردد که بیشتر آدم‌ها به تداوم تشخیص هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی در اطراف خود، کنش دارند. وی بیان می‌کند «ایمن بودن یعنی در اختیار داشتن پاسخ‌هایی در سطح ناخودآگاه و خودآگاهی عملی برای بعضی پرسش‌های وجودی بنیادین که همه آدمیان طی عمر خود به نحوی مطرح کرده‌اند. به عبارت دیگر این اصطلاح به اطمینانی برمی‌گردد که بیشتر آدم‌ها به تداوم تشخیص هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود دارند» (گیدنز، ۱۳۷۸: ۶۲-۶۱).

وی بیان می‌کند که ما برای زیستن و گذراندن عمر خود معمولاً مسائل و موضوعاتی را مسلم قطعی می‌پنداریم که بر اساس قرن‌ها جستجو و تعمق متفکران و فیلسوفان در برابر نگاه‌های شکاکانه تاب نخواهد آورد و طراوت و اصالت خود را از دست خواهد داد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۶۲-۶۱). باتوجه به این امر، امنیت وجودی که با اعتماد به تعاریفی از زندگی به دست آمده است و هویت و هستی انسان بر مبنای آن سامان می‌گیرد، امنیتی درونی و روانی است. به اعتقاد گیدنز، امنیت وجودی در خانواده پایه‌ریزی شده است و بر پایه اعتماد بنیادی استحکام می‌یابد که منشأ آن لطف و محبت بی‌دریغ والدین به ویژه مادر است. او وجود خانواده را برای سامان بخشی به امنیت وجودی کودک لازم می‌داند ولی شرط کافی نمی‌داند؛ چنانکه از ارتباط ناب برای برخورداری از روابط گرم و عاطفی در سایر مراحل زندگی انسان یاد می‌کند و آن را شرط کافی برای امنیت وجودی می‌داند؛ بنابراین، انسان در تمام

را در محیط خانه در معرض خطر قرار می‌دهد. از آنجایی که همواره خانواده به منزله پناهگاهی مقدس برای آسایش خاطر و آرامش انسان تلقی می‌شود، خشونت خانگی از نظر لغوی با چنین مفهومی از خانواده همخوانی ندارد؛ زیرا خشونت، تصویر آرام خانه و امنیت به دست آمده از خویشاوندی را در هم می‌شکند (آبوت و والاس، ۱۳۹۱: ۲۳۹-۲۴۲).

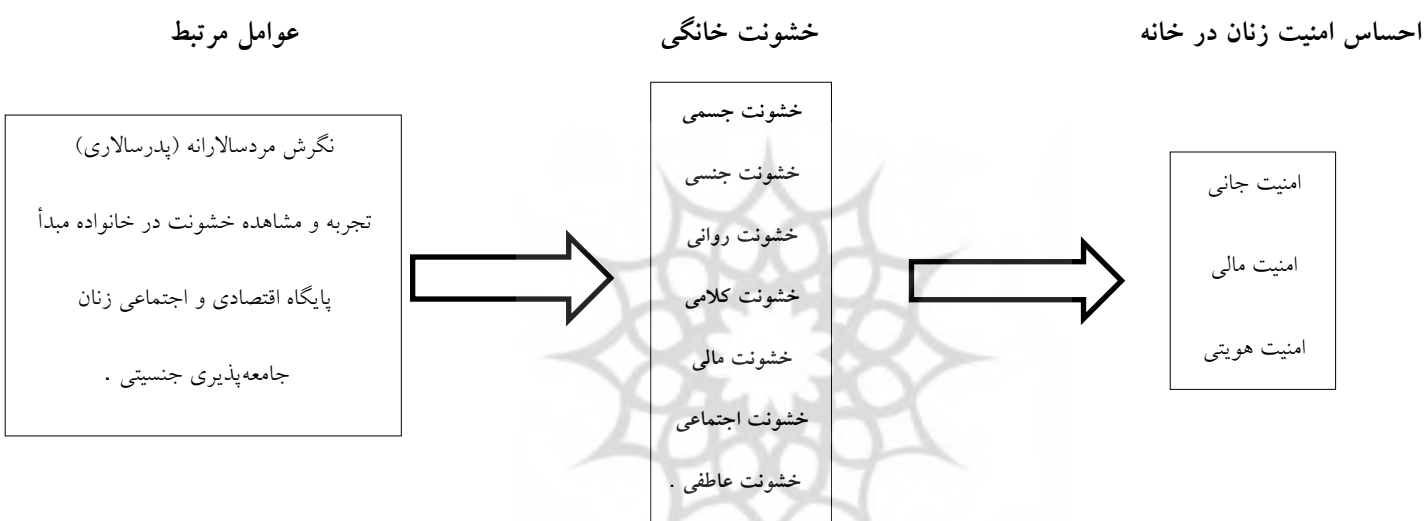
دو بووار^۱، جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی را عامل تداوم سلطه مرد بر زن می‌داند. به اعتقاد وی، اگر دختر بچه‌ها از ابتدا با همان توقعات، پاداش‌ها، سختگیری‌ها و آزادی‌هایی تربیت می‌شدند که برادرانشان تربیت شدند، شخصیت دختران و زنان، بسیار متفاوت با الگوهای نابرابر کنونی شکل می‌گرفت (بستان، ۱۳۸۲: ۱۱). رفتار والدین با فرزندان باعث می‌شود ویژگی‌هایی مانند پرخاشگری، موفقیت، رقابت، اتکالی به نفس و استقلال از پسر بیشتر انتظار برود؛ همچنین بیشتر به آنها توصیه می‌شود که برای احقاق حق خود ایستادگی کنند. در عوض از دختر انتظار می‌رود که سازش کند، صلح‌جو باشد، اختلافات را با صحبت حل و فصل کند، جنگ و جدال نکند، مراقبت‌کننده و مهربان باشد (راس، ۱۳۷۵: ۲۷۵)؛ بنابراین، جامعه‌پذیری جنسیتی با نهادینه کردن نابرابری و تداوم بخشیدن به آن در نسل‌های آینده، در حکم بسترهای نابرابر جنسیتی شناخته می‌شود (آبوت و والاس، ۱۳۹۱: ۱۲۸).

گیدنز، امنیت را چنین تعریف می‌کند: امنیت، موقعیتی است که در آن با یک رشته خطرهای خاص مقابله شده یا به حداقل رسانده شده است. یکی از مفهوم‌سازی‌هایی که در حوزه امنیت انجام شده، تقسیم‌بندی چهاربعدهی چلبی از امنیت است. او معتقد است چهار علقه افضل و عام برای انسان وجود دارد که آنها از هم تفکیک می‌شوند: علقه شناختی، علقه مادی، علقه اجتماعی و علقه امنیتی (طاهری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۴). در علقه امنیتی، انسان موجودی هدفمند و بالقوه مضطرب است و برای حفظ آرامش و صیانت خود در ارتباط با محیط‌های اثباتی و اجتماعی، درصدد تحقق اهداف

^۱ De Beauvoir

افزایش می‌یابد. براساس متغیرهای انتخاب شده از نظریه‌های بالا و باتوجه به ماهیت موضوع، برای ساختن چارچوب نظری تحقیق از الگوی ترکیبی نظریه‌های منابع؛ یادگیری اجتماعی؛ جامعه‌پذیری جنسیتی؛ نظریه‌های فمینیستی و نظریه‌هایی درباره امنیت از دیدگاه گیدنز، بهره گرفته شده است. الگوی نظری تحقیق به شرح زیر ارائه می‌شود.

مراحل زندگی در پی تکوین امنیت وجودی خویش است و این امر از بدو تولد با خانواده و سپس دوستان ادامه می‌یابد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۵۳-۵۲). احساس امنیت فردی، یک نوع احساس حمایت اجتماعی را به وجود می‌آورد. از این رو، انسان‌هایی که از لحاظ فردی و اجتماعی احساس امنیت می‌کنند، با آرامش خاطر اهداف خود را دنبال کرده‌اند و امکان موفقیت آنها



شکل ۱- الگوی تحلیلی تحقیق (نگارنده)

۵- بین متغیرهای مستقل تحقیق (پدرسالاری، تجربه و مشاهده خشونت، تحریک روانی شوهر و پایگاه اقتصادی و اجتماعی) و میزان خشونت علیه زنان رابطه مستقیم و غیرمستقیم وجود دارد.

۶- میزان خشونت علیه زنان با احساس امنیت جانی آنها در محیط خانه رابطه دارد.

۷- میزان خشونت علیه زنان با احساس امنیت مالی آنها در محیط خانه رابطه دارد.

۸- میزان خشونت علیه زنان با احساس امنیت هویتی آنها در محیط خانه رابطه دارد.

۹- میزان خشونت علیه زنان با احساس امنیت (کل) آنها در محیط خانه رابطه دارد.

باتوجه به الگوی تحلیل تحقیق حاضر، مهم‌ترین فرضیه‌های این تحقیق در ذیل بیان شده است:

فرضیه‌های تحقیق

۱- بین نگرش مردسالارانه (ایدئولوژی پدرسالاری) و میزان خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

۲- بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان و میزان خشونت علیه آنها رابطه وجود دارد.

۳- بین تجربه و مشاهده خشونت در خانواده مبدأ و میزان خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

۴- بین تحریک روانی شوهر از جانب زن و میزان خشونت علیه آنها رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی

در این تحقیق، روش پیمایش از نوع کاربردی استفاده شده است. جامعه آماری، زنان ۱۸ تا ۵۴ سال و متأهل است که حداقل یک سال از ازدواجشان گذشته باشد و ساکن شهر میانه باشند. طبق آخرین سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۹۰)، تعداد کل افراد جامعه مطالعه شده ۴۷۹۲۹ نفر بوده و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، برابر ۳۸۱ نفر انتخاب شده است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. با توجه به تعداد نمونه، افرادی برای جمعیت نمونه از محله‌های مختلف شهر به صورت تصادفی انتخاب شده و اطلاعات لازم از آنها با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه مصاحبه‌ای (محقق‌ساخته) جمع‌آوری شده است.

در این تحقیق پس از تکمیل پرسش‌نامه در یک نمونه ۳۵ نفری اقدام به احتساب ضریب آلفای کرونباخ مقیاس پرسش‌نامه شده است و گویه‌های نامناسب، حذف و مجدداً محاسبه انجام شده است. یافته‌های پاسخ‌گویان براساس آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار spss22 و آماره‌هایی مانند ضریب پیرسون، رگرسیون خطی ساده (برای تحلیل تأثیر متغیرها بر یکدیگر) و رگرسیون خطی چند متغیره (برای تحلیل مسیر) به کار رفته است. همچنین در این تحقیق، شاخص پایگاه اقتصادی - اجتماعی نمونه بررسی شده از ترکیب سه متغیر تحصیلات

(آزمودنی، پدر و مادر)، شغل (آزمودنی، پدر و مادر) و درآمد خانواده ساخته شده است. تحصیلات، میزان سال‌های تحصیل رسمی است و از بی‌سواد تا دانشگاهی در ۵ طبقه تقسیم‌بندی شده است. درآمد رئیس خانواده در ۵ طبقه و متغیر شغل نیز براساس دولتی، آزاد، غیردولتی و ... در ۵ طبقه دسته‌بندی شده است. در نهایت با جمع نمره‌های سه متغیر درآمد، تحصیلات و شغل ضریب آلفا کرونباخ برابر با (۷۳/۰) در این تحقیق به دست آمده است. امتیاز کسب‌شده برای ۷ گویه با احتساب طیف امتیازها به هر گویه از ۱ تا ۵ (حداقل ۷ و حداکثر ۳۵) بوده است. در این تحقیق امتیاز پاسخگویان برابر با حداقل ۷ و حداکثر ۳۲ به دست آمده است، بنابراین، دامنه تغییرات برابر ۲۵ و بین ۷-۳۲ متغیر است.

فرایند عملیاتی کردن متغیرها

متغیر خشونت علیه زنان: تعریف مفهومی: انجمن UNG، خشونت علیه زنان را به هر عمل خشونت‌آمیزی تعریف کرده است که نتیجه آن صدمه جسمی، جنسی و ذهنی بوده است؛ که با رنج زنان به وسیله تهدید یا تحمیل محرومیت اجباری یا اختیاری از آزادی در زندگی فردی و اجتماعی همراه بوده است.

تعریف عملیاتی: این متغیر، مؤلفه‌هایی از قبیل خشونت جسمی، جنسی، عاطفی، مالی، کلامی، روانی و اجتماعی دارد.

جدول ۱- مفهوم عملیاتی شاخص‌های متغیر خشونت علیه زنان

متغیر وابسته تحقیق	تعریف	گویه‌ها
خشونت روانی	رفتار خشونت‌آمیزی که شرافت، آبرو و اعتماد به نفس زن را خدشه‌دار می‌کند	۱- قهرکردن مردان به شکل‌های مختلف با همسر خود از قبیل حرف زدن به مدت طولانی تا ترک منزل به مدت متمادی و گاهی برای همیشه
		۲- بهانه‌گیری‌های پی‌درپی و انتقاد ناروا از همسر خود
		۳- تمسخر همسر در جمع دوستان و آشنایان
		۴- تهدید به کتک‌زدن یا تهدید به پرتاب کردن اشیاء
		۵- تهدید به طلاق و ازدواج مجدد
		۶- تهدید به آسیب‌رساندن اشخاصی که همسر به آنها علاقه دارد
		۷- تحریک حس حسادت همسر در خصوص خواهر، مادر یا زنان دیگر
		۸- داد و فریاد زدن بر سر همسر
		۹- تحقیر همسر خود در نزد مردان دیگر

<p>۱- مرد، وسواس گونه مخارج منزل را کنترل می‌کند. ۲- ندادن خرجی و پول کافی و در مضیقه مالی قراردادن همسر و فرزندان ۳- دسترسی نداشتن همسر به درآمد و پس انداز خانواده ۴- دریافت اجباری حقوق و درآمد همسر ۵- مجبور کردن همسر به فروش اموالش ۶- آسیب‌رسانی به وسایل شخصی همسر ۷- فرستادن همسر خود برای مدت طولانی به منزل پدر بدون اینکه شوهر وجهی به ایشان بدهد</p>	<p>رفتار خشونت‌آمیزی است که مردان علیه زنان روا می‌دارند و اگر مردان خانواده نخواهند از خود سخاوتی در تمکین مادی زنان نشان دهند، ادامه زندگی برای زنان بدون درآمد به مخاطره می‌افتد.</p>	<p>خشونت مالی</p>
<p>۱- سیلی زدن ۲- هل دادن و پرت کردن ۳- لگدزدن و مشت‌زدن به بدن ۴- چنگ‌انداختن و کشیدن موهای همسر ۵- کتک‌زدن زن یا کمر بند، شلاق و ... ۶- شکستن دست‌وپا، کبودی بدن زن یا هر نوع آسیب جسمانی دیگر ۷- بستری شدن زن در بیمارستان که ناشی از کتک‌زدن اوست. ۸- تهدید به کشتن و به قتل رساندن زن</p>	<p>نوعی اقدام فیزیکی برای آسیب‌رساندن، ترساندن یا کنترل کردن همسر</p>	<p>خشونت جسمی (فیزیکی)</p>
<p>۱- مجبور کردن زن به سقط جنین ۲- برقراری ارتباط جنسی برخلاف میل زن ۳- اجبار به روابط جنسی غیرمتعارف ۴- انجام اعمالی که در هنگام تماس جنسی باعث ناراحتی زن می‌شود.</p>	<p>این نوع خشونت در حیطه زندگی خصوصی، زناشویی و خانوادگی اتفاق می‌افتد و به صورت الزام به تمکین از شوهر یا رابطه محارم با یکدیگر در حلقه خویشاوندی علیه زن اعمال می‌شود</p>	<p>خشونت جنسی</p>
<p>۱- شوهر مانع معاشرت زن با دوستان و بستگان خود شود. ۲- جلوگیری از کارکردن زن ۳- ممانعت مرد از رفتن همسرش به فضاهای تفریحی و ... ۴- حبس کردن زن در خانه ۵- قطع کردن تلفن خانه روی زن ۶- ایجاد محدودیت در رابطه با ادامه تحصیل ۷- ایجاد محدودیت در ارتباطات فامیلی</p>	<p>مردها با ممانعت از رشد اجتماعی، تحصیل، گسترش فعالیت‌های فکری و روابط اجتماعی همسر خود، وی را از دست یافتن به حقوق، اهداف و آرزوهای خود باز می‌دارند و موجب عقب‌ماندگی و انجماد فکری وی می‌شوند.</p>	<p>خشونت اجتماعی</p>
<p>۱- بیان نکردن کلمات محبت‌آمیز مرد از قبیل دوست دارم به همسر ۲- اظهار خستگی مردان از زندگی مشترک ۳- اظهار اجبار در انتخاب این زن ۴- انتقاد مداوم از همسر ۵- مرد قابلیت‌های مادر و خواهر خود را به رخ زن بکشد. ۶- انتقاد مداوم از دست‌پخت زن ۷- به وجود آمدن این حس در زن که همسر فقط نقاط ضعف مرا می‌بیند. ۸- تحقیر و تمسخر فعالیت‌های زن در خانه، مثلاً آشپزی، بچه‌داری و ...</p>	<p>خشونت عاطفی، رفتارهای کلامی و غیرکلامی زورگویانه همسر است که ابراز آنها در بدن دیده نمی‌شود. فرایندی است که طی آن فرد از نظر روانی از جانب شخصی دیگر به صورت تدریجی دچار آسیب می‌شود.</p>	<p>خشونت عاطفی</p>
<p>۱- فحاشی به زن و بستگان وی ۲- بکاربردن القاب ناشایست برای زن ۳- شوخی دور از نزاکت با دوستان خود در حضور زن ۴- شوخی دور از نزاکت با زنان در اماکن عمومی و محل کار ۵- بیان داستان‌هایی غیراخلاقی به گونه‌ای که زنان نیز ناگزیر شنونده باشند. ۶- گفتن جملاتی مانند تو نمی‌فهمی، حرف احمقانه‌نزن، چرا مثل بقیه زن‌ها نیستی</p>	<p>حرف‌های آزاردهنده، رفتار خشونت‌آمیز محسوب می‌شود. این حرف‌های آزاردهنده و ناخوشایند معمولاً به صورت ناسزا، لحن تند، تحقیر، تمسخر، تشر، استهزا و ... است که ممکن است به خشونت خانگی فیزیکی در چارچوب خانه منجر شود.</p>	<p>خشونت کلامی</p>

جدول ۲- مفهوم عملیاتی متغیرهای مستقل تحقیق

متغیرهای مستقل	تعریف	گویه‌ها
نگرش مردسالارانه مرد (پدرسالاری)	مترادف با پدرسالاری است، یعنی خانواده و حتی جامعه‌ای که در آن مرد حکومت می‌کند.	۱- زن از شوهرش باید حرف‌شنوی داشته باشد. ۲- برای زن، همسر و کدبانو بودن شایسته‌تر از تحصیل کردن و کارکردن بیرون از خانه است. ۳- بهتر است مرد تصمیم‌گیرنده نهایی در خانواده باشد. ۴- مهم‌ترین وظیفه زن، شوهرداری است. ۵- در صورت نافرمانی زن از شوهرش، مرد حق دارد او را کتک بزند. ۶- تصمیم‌گیری درباره فرزندآوری با مرد است. ۷- مدیریت مالی خانواده تنها از عهده مرد برمی‌آید. ۸- مرد هر موقع دلش بخواهد می‌تواند زنش را طلاق دهد. ۹- تعیین محل سکونت با شوهر است و زن باید تابع او باشد. ۱۰- اگر مرد متأهل با زن دیگری ارتباط داشته باشد، در صورت صیغه‌خواندن اشکال ندارد. ۱۱- کارهای بیرون منزل و امور اقتصادی مربوط به مرد است و زنان نقشی در آن ندارند. ۱۲- در هر تصمیم‌گیری از جانب زن مشورت با یک مرد لازم است.
پایگاه اقتصادی و اجتماعی	شامل مجموعه اشخاص یا گروه‌هایی است که یک واحد اجتماعی در سلسله مراتب به حساب می‌آیند.	۱- شغل شما چیست؟ ۲- شغل پدر شما چیست؟ ۳- شغل مادر شما؟ ۴- درآمد خانواده شما چقدر است؟ ۵- تحصیلات پدر شما چیست؟ ۶- تحصیلات مادر شما چیست؟ ۷- تحصیلات خود شما به چه میزانی است؟
تحریک روانی از سوی زن	عبارت است از زنی که قربانی خشونت شده است، خودش زمینه ظهور یا تحریک و اعمال خشونت را فراهم کند.	۱- ایرادگیری‌های مداوم از شوهر برای هر مسئله‌ای ۲- چشم‌وهم‌چشمی‌های زیاد ۳- لجاجتی با شوهر ۴- فامیل خود را به رخ شوهر کشیدن ۵- کنترل رفتارهای جزئی شوهر ۶- مقایسه شوهر خود با شوهر سایر بستگان
تجربه و مشاهده خشونت در خانواده شوهری	هرگونه آزاری که طی دوران کودکی، والدین نسبت به فرد اعمال کرده است یا شاهد کتک کاری و بی‌احترامی پدر نسبت به مادرش بوده است.	۱- اعضای خانواده به همسر شما توهین و بی‌احترامی کرده است؟ ۲- خانواده همسر شما او را تنبیه بدنی کرده است؟ ۳- والدین همسر شما بر سر او دادوفریاد زده و با او اخم و قهر کرده‌اند؟ ۴- پدر شوهرتان نسبت به مادر شوهرتان توهین و بی‌احترامی کرده است؟ ۵- پدر شوهرتان بر سر مادر شوهرتان دادوفریاد زده و او را از خانه بیرون کرده است؟ ۶- همسرتان شاهد کتک کاری والدینش و خشونت در خانواده‌اش بوده است؟

دریافت پاسخگو از امنیت تنظیم شد؛ زیرا اصولاً امنیت، پدیده ادراکی و احساسی است. به همین دلیل در این تحقیق، برای سنجش امنیت زنان و گونه‌های آن، تنها به شاخص‌های بیرونی اکتفا نشده و هم زمان احساس امنیت با افراد خانواده نیز ملاحظه شده است.

احساس امنیت نیز نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت شهروندان نسبت به تأثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضد امنیتی (تهدیدات) در شرایط فعلی و آتی است. امنیت، متغیر سازه و پیچیده‌ای است. برای اندازه‌گیری امنیت زنان در خانواده در کل و ابعاد آن، مقیاس ساخته شده بر مبنای

جدول ۳- مفهوم عملیاتی متغیر وابسته امنیت زنان

متغیر وابسته (احساس امنیت زنان در خانه)	تعریف	گویه‌ها
امنیت جانی	یعنی تضمین جسم و جان افراد در مقابل خطرات و آسیب‌هایی که مانع ادامه حیات آنان شود.	۱- در خانواده من سلطه انسانی وجود ندارد، بلکه با تفاهم و بدون مشاجره مسائل را حل می‌کنیم. ۲- در صورت حضورنداشتن همسر احساس می‌کنم امنیت کافی ندارم. ۳- تا به حال با شوهرم دعوا و کتک‌کاری نکردم. ۴- همسر من نسبت به سلامتی من و فرزندان، خود را مسؤول می‌داند. ۵- هنگامی که با همسر در منزل تنها هستم احساس امنیت جانی دارم. ۶- تا به حال شوهرم چیزی به من پرتاب نکرده است.
امنیت مالی	عبارت است از تضمین دارایی‌های فرد	۱- در برابر کاری که در خانه انجام می‌دهم، شوهرم متناسب با آن به هر طریقی (مادی، معنوی) از من تشکر می‌کند. ۲- در مواقع نیاز و موعد مقرر شده، همسرم مقداری پول و امکاناتی که نیاز دارم در اختیارم قرار می‌دهد. ۳- انتظاری که شوهرم از انجام کارهای من در خانه دارد عادلانه و منطقی است. ۴- شوهرم به هیچ‌عنوان مخالف کارکردن من در بیرون خانه نیست. ۵- من کاملاً در خانه استقلال مادی دارم و همسرم نسبت به حقوق و پول من نظری ندارد. ۶- شوهرم تسلطی بر حساب‌های بانکی من ندارد و اختیار خرج کردن آنها نیز با خودم است.
امنیت هویتی	حفظ هویت، شاخص مهمی از امنیت است و برای تک‌تک افراد جامعه، امکان حفظ و تداوم آن دسته از ارزش‌ها و وجوهی را به وجود می‌آورد که آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند.	۱- رواج برخی از الگوهای ناصحیح فرهنگی غربی در خانواده‌های ایرانی باعث وجود مشکلات زیادی برای زنان شده است. ۲- به نظر من کاهش گرایش به ارزش‌های دینی در مردان باعث بی‌اعتنا شدن مردان نسبت به هویت همسر خود می‌شود. ۳- کاهش تفاهم بین اعضای خانواده به‌ویژه بین زن و شوهر ۴- زیر سؤال رفتن هویت زن ایرانی

خشونت علیه زنان (۰/۷۳۱)، امنیت (۰/۷۹۱)، شاخص نگرش مردسالارانه (۰/۶۴۲)، تجربه خشونت (۶۱۰)، تحریک روانی شوهر (۰/۸۵۲) و پایگاه اقتصادی و اجتماعی (۰/۷۰۴) به دست آمده است و نتیجه‌گیری می‌شود داده‌ها در همه شاخص‌ها به تعدادی عوامل بنیادی تقلیل می‌یابند و نتیجه آزمون بارتلت نیز در هر شش سازه نام برده شده در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی‌دار است و نشان می‌دهد ماتریس همبستگی بین گویه‌ها همانی و واحد نیست. بین گویه‌های داخل هر عامل، همبستگی متوسط و خوبی وجود دارد و همچنین بین گویه‌های یک عامل با گویه‌های عامل دیگر هیچ‌گونه همبستگی مشاهده نمی‌شود که نشان‌دهنده اعتبار این سازه‌ها در تحقیق است.

برای تعیین اعتبار پرسش‌نامه نیز از روش اعتبار صوری استفاده شده است؛ بدین صورت که اساتید و متخصصان مربوط، پرسش‌نامه محقق‌ساخته را تأیید کرده‌اند. روایی تحقیق براساس استفاده از تکنیک آلفای کرونباخ در نرم‌افزار Spss22 برای تمامی شاخص‌ها در حد مطلوبی بوده است. روایی کل تحقیق براساس جدول آلفای کرونباخ برای متغیر وابسته و متغیرهای مستقل برابر ۰/۷۵ شده که نشان‌دهنده پایایی و ثبات خوب است. همچنین به دلیل استفاده از سازه‌های خشونت علیه زنان، امنیت زنان، نگرش مردسالارانه، تجربه و مشاهده خشونت و شاخص تحریک روانی شوهر، گزارش تحلیل عاملی (اعتبار سازه‌ای) در ذیل آمده است. باتوجه به جدول زیر، مقدار آزمون kmo برای شاخص‌های

جدول ۴- ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و متغیرهای وابسته و گزارش تحلیل عاملی سازه‌های تحقیق

متغیرها	تعداد گویه	مقدار آلفای کرونباخ	بار عاملی (KMO)	بارتلت	احتمال معناداری
خشونت علیه زنان (کل)	۴۹	۰/۷۶	۰/۷۳۱	۶۰۱۴/۹۳۲	۰/۰۰۰
خشونت روانی	۹	۰/۸۱	-	-	-
خشونت اجتماعی	۷	۰/۷۷	-	-	-
خشونت جسمی	۸	۰/۷۹	-	-	-
خشونت جنسی	۴	۰/۷۱	-	-	-
خشونت عاطفی	۸	۰/۷۸	-	-	-
خشونت کلامی	۶	۰/۷۳	-	-	-
خشونت مالی	۷	۰/۷۹	-	-	-
نگرش مردسالارانه	۱۲	۰/۸۷	۰/۶۴۲	۹۳۱/۴۳۵	۰/۰۰۰
پایگاه اقتصادی و اجتماعی	۷	۰/۷۳	۰/۷۰۴	۸۴۱/۹۳۴	۰/۰۰۰
تجربه و مشاهده خشونت	۶	۰/۷۱	۰/۶۱۰	۴۳۰/۲۷۸	۰/۰۰۰
تحریک روانی شوهر	۶	۰/۷۲	۰/۸۵۲	۹۱۳/۸۸۳	۰/۰۰۰
به‌وسیله زن					
امنیت (کل)	۱۶	۰/۷۵	۰/۷۹۱	۲۴۳۱/۷۳۳	۰/۰۰۰
امنیت جانی	۶	۰/۷۹	-	-	-
امنیت مالی	۶	۰/۷۶	-	-	-
امنیت هویتی	۴	۰/۷۲	-	-	-

یافته‌های نتایج

تحلیل توصیفی

متغیر زمینه‌ای سن، درآمد، تحصیلات و شغل بوده است که از ترکیب این سه متغیر، شاخص پایگاه اقتصادی و اجتماعی ساخته شده است. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب گروه سنی و سطح پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنها در جدول ذیل آمده است.

در تحقیق حاضر از بین شاخص‌های آمار توصیفی به یاری شاخص‌های فراوانی، درصد نسبی، میانگین متغیرها نتایج درخور توجهی به دست آمده است. در این تحقیق، مهم‌ترین

جدول ۵- توزیع فراوانی متغیرهای زمینه‌ای

سن	پایگاه اقتصادی و اجتماعی
بیشترین فراوانی در گروه سنی ۱۸ تا ۲۵ سال و کمترین فراوانی در گروه سنی ۴۶ تا ۵۰ سال	۲۶/۲ درصد پایگاه بالا، ۵۵/۶ درصد در سطح متوسط و ۱۸/۲ درصد در سطح پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین

جدول ۶- توزیع درصد فراوانی پاسخ‌گویان برحسب متغیر خشونت و انواع خشونت

متغیرها	تعداد گویه	زیاد		متوسط		کم		میانگین	انحراف معیار	امتیاز کسب‌شده گویه‌ها	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی			حداقل	حداکثر
خشونت مالی	۷	۱۸/۴	۲۷۸	۶۹/۲	۲۷۸	۱۲/۴	۵۰	۲۱/۴۱	۰/۵۲	۷	۳۳
خشونت جسمی	۸	۲۰/۴	۲۸۹	۷۱/۹	۲۸۹	۷/۷	۳۱	۲۵/۹۲	۱/۰	۱۲	۴۰
خشونت جنسی	۴	۲۵/۳	۲۲۸	۵۶/۷	۲۲۸	۱۸/۰	۷۲	۱۱/۶۳	۱/۰۳	۴	۲۰
خشونت اجتماعی	۷	۱۳/۴	۲۷۱	۶۷/۴	۲۷۱	۱۹/۱	۵۶	۲۰/۵۲	۰/۷۲	۱۰	۳۵
خشونت عاطفی	۸	۸۱/۱	۳۲۶	۰	۰	۱۸/۹	۵۵	۲۷/۷۰	۳/۰۹۹	۱۸	۳۹
خشونت کلامی	۶	۵۹/۵	۱۳۷	۳۴/۱	۱۳۷	۶/۴	۵	۲۳/۵۱	۲/۰۴	۶	۲۸
خشونت روانی	۹	۴۰/۵	۲۲۴	۵۵/۷	۲۲۴	۳/۸	۱۵	۲۸/۵۴	۳/۰۶	۱۱	۴۵
خشونت علیه زنان	۴۹	۸۱/۸	۳۲۹	۴۸	۴۸	۶/۳	۴	۱۵۳/۷۳	۱۴/۰۷	۶۸	۲۳۰

(کل)

جدول بالا، توزیع فراوانی پاسخ‌گویان را برحسب شاخص خشونت علیه زنان و ابعاد آن نشان می‌دهد. باتوجه به یافته‌های آن، در نگاه نخست بیان می‌کند میزان مجموع متغیر خشونت علیه زنان بین پاسخ‌گویان در سطح نسبتاً بالایی بوده است؛ همچنین میزان مجموع متغیرهای خشونت عاطفی، کلامی و روانی باتوجه به مقدار آنها در قسمت زیاد، به ترتیب برابر ۸۱/۱، ۵۹/۵، ۴۰/۵ است که نشان می‌دهد این نوع خشونت‌ها (عاطفی، کلامی و روانی) رایج‌ترین نوع خشونت بین زنان این منطقه است.

جدول بالا، توزیع فراوانی پاسخ‌گویان را برحسب شاخص خشونت علیه زنان و ابعاد آن نشان می‌دهد. باتوجه به یافته‌های آن، در نگاه نخست بیان می‌کند میزان مجموع متغیر خشونت علیه زنان بین پاسخ‌گویان در سطح نسبتاً بالایی بوده است؛ همچنین میزان مجموع متغیرهای خشونت

جدول ۷- توزیع درصد فراوانی پاسخ‌گویان برحسب متغیر احساس امنیت زنان در خانه و ابعاد آن

متغیرها	تعداد گویه	زیاد		متوسط		کم		میانگین	انحراف معیار	امتیاز کسب‌شده گویه‌ها	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی			حداقل	حداکثر
امنیت جانی	۶	۲۵/۸	۹۹	۳۶/۷	۱۳۸	۳۷/۵	۱۴۴	۱۵/۰۱	۱/۱۷	۹	۲۵
امنیت مالی	۶	۳۶/۷	۱۰۸	۳۳/۸	۱۳۰	۳۷/۲	۱۴۳	۱۷/۱۰	۱/۰۱	۷	۲۸
امنیت هویتی	۴	۲۶/۸	۹۹	۳۵/۱	۱۳۵	۳۸/۱	۱۴۷	۱۰/۰۳	۱/۱	۹	۱۸
احساس امنیت (کل)	۱۶	۲۲/۶	۹۱	۴۴/۸	۱۵۹	۳۲/۶	۱۳۱	۴۲/۶۵	۱۱/۳۷	۱۹	۷۹

جدول بالا، توزیع فراوانی پاسخ‌گویان را برحسب شاخص امنیت زنان و ابعاد آن نشان می‌دهد و باتوجه به یافته‌ها بیان می‌کند میزان مجموع متغیر امنیت زنان در محیط خانواده بین پاسخ‌گویان در سطح نسبتاً متوسط رو به پایین است. مطابق جدول ۸، میزان امنیت هویتی کمتر از دو نوع دیگر است.

جدول بالا، توزیع فراوانی پاسخ‌گویان را برحسب شاخص امنیت زنان و ابعاد آن نشان می‌دهد و باتوجه به یافته‌ها بیان می‌کند میزان مجموع متغیر امنیت زنان در محیط

جدول ۸- توزیع درصد فراوانی پاسخ‌گویان برحسب متغیرهای مستقل

متغیرها	تعداد گویه	زیاد درصد	متوسط		کم درصد	میانگین	انحراف معیار	امتیاز کسب‌شده گویه‌ها	
			فروانی درصد	فروانی درصد				حداقل	حداکثر
پدرسالاری	۱۲	۴۷/۵	۲۱/۱	۱۱۷	۳۱/۴	۳۷/۶۴	۱/۴۱	۱۲	۵۸
تجربه و مشاهده خشونت	۶	۴۴/۹	۴۰	۵۸	۱۵/۱	۲۰/۹۶	۱/۴۹	۶	۳۰
پایگاه اقتصادی و اجتماعی	۷	۲۶/۲	۲۱۰	۷۰	۱۸/۲	۲۲/۴۷	۱/۱۴	۷	۳۲
تحریک روانی شوهر به‌وسیله زن	۶	۲۰/۷	۲۳/۱	۲۱۲	۵۶/۲	۱۴/۴۳	۱/۲۱	۱۵	۳۰

جدول بالا بیان می‌کند میزان نگرش‌های مردسالارانه در خانواده‌های این زنان (ساکن در میانه) در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد. درباره‌ی متغیر تجربه و مشاهده‌ی خشونت در خانواده‌ی پدرشوهر، بیشتر شوهران این زنان در خانواده‌های خود به‌طور مستقیم شاهد خشونت والدین بوده‌اند. فراوانی پاسخ‌گویان در متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی نیز نشان می‌دهد بیش از نیمی از زنان، پایگاه اقتصادی و اجتماعی متوسطی (۵۵/۶ درصد) دارند. درباره‌ی متغیر تحریک روانی شوهر به‌وسیله همسر خود نیز بیش از نیمی از پاسخ‌گویان (۵۶/۲ درصد) در سطح کم گزارش کرده‌اند.

از آنجایی که سطح سنجش متغیرهای اصلی بررسی شده، فاصله‌ای بوده است؛ بنابراین، از آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل (نگرش مردسالاری، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، تجربه و مشاهده‌ی خشونت و تحریک روانی شوهر)؛ متغیر وابسته‌ی خشونت علیه زنان؛ آزمون رگرسیون چندمتغیره (مطالعه‌ی میزان اثر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته) و نمودار تحلیل مسیر استفاده شده است. همچنین برای مطالعه‌ی تأثیر متغیر خشونت علیه زنان بر متغیر احساس امنیت آنان و سه بعد (جانی، مالی و هویتی) آن، از آزمون رگرسیون خطی ساده/دومتغیره استفاده شده است.

آزمون فرضیات تحقیق

جدول ۹- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر مستقل	متغیر وابسته	شدت رابطه	سطح معناداری
نگرش مردسالارانه	میزان خشونت علیه زنان	۰/۵۹	۰/۰۰۰
پایگاه اقتصادی اجتماعی	میزان خشونت علیه زنان	۰/۳۸	۰/۰۰۰
تجربه و مشاهده خشونت	میزان خشونت علیه زنان	۰/۳۹	۰/۰۰۰
تحریک روانی شوهر به وسیله همسر	میزان خشونت علیه زنان	۰/۴۱	۰/۰۰۰

باتوجه به جدول بالا، نتایج آزمون ضریب همبستگی نشان می‌دهد در تمامی موارد مذکور، فرضیه‌ی تحقیق تأیید شده است، بدین معنا که هر کدام از شاخص‌ها با شاخص خشونت علیه زنان رابطه‌ی معنادار، مستقیم و با شدت مختلف داشته‌اند.

در فرضیه‌ی اول، رابطه‌ی بین نگرش مردسالارانه و خشونت بررسی شده است. جهت رابطه مثبت، مستقیم و شدت آن زیاد است؛ یعنی افزایش نگرش‌های مردسالاری بین خانواده‌ها و میزان خشونت علیه زنان در آن خانواده افزایش می‌یابد. در

فرضیهٔ دوم، همبستگی بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان و میزان خشونت علیه آنها با شدت متوسط و مستقیمی ارزیابی شده است. در فرضیهٔ سوم، میزان همبستگی بین دو متغیر تجربه و مشاهدهٔ خشونت در خانوادهٔ پدرشوهری و میزان خشونت علیه زنان، مستقیم و متوسط ارزیابی شده است. در فرضیهٔ چهارم، میزان همبستگی بین دو متغیر تحریک روانی شوهر به وسیله همسر خود و میزان خشونت علیه زنان، مستقیم و متوسط رو به بالا ارزیابی شده است. بدین مفهوم که تغییرات در متغیرهای مستقل باعث ایجاد نوسان در متغیر وابسته (خشونت علیه زنان) خواهد شد.

فرضیهٔ دوم، همبستگی بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان و میزان خشونت علیه آنها با شدت متوسط و مستقیمی ارزیابی شده است. در فرضیهٔ سوم، میزان همبستگی بین دو متغیر تجربه و مشاهدهٔ خشونت در خانوادهٔ پدرشوهری و میزان خشونت علیه زنان، مستقیم و متوسط ارزیابی شده است. در فرضیهٔ چهارم، میزان همبستگی بین دو متغیر تحریک روانی شوهر به وسیله همسر خود و میزان خشونت علیه زنان، مستقیم و متوسط رو به بالا ارزیابی شده است. بدین مفهوم که تغییرات در متغیرهای مستقل باعث ایجاد نوسان در متغیر وابسته (خشونت علیه زنان) خواهد شد.

جدول ۱۰- ضریب همبستگی پیرسون بین انواع خشونت و متغیر احساس امنیت زنان در خانه

سطح معناداری	شدت رابطه	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۱	-۰/۱۶	احساس امنیت	خشونت مالی
۰/۰۰۱	-۰/۰۹	احساس امنیت	خشونت جسمی
۰/۰۰۰	-۰/۲۵	احساس امنیت	خشونت جنسی
۰/۰۰۵	-۰/۲۳	احساس امنیت	خشونت اجتماعی
۰/۰۰۰	-۰/۵۸	احساس امنیت	خشونت عاطفی
۰/۰۰۲	-۰/۳۳	احساس امنیت	خشونت کلامی
۰/۰۳	-۰/۲۵	احساس امنیت	خشونت روانی

متغیر وابستهٔ امنیت زنان در محیط خانه و ابعاد آن (جانی، مالی و هویتی) و متغیر مستقل خشونت علیه زنان و آزمون فرضیه‌های تحقیق، در این بخش سعی می‌شود با استفاده از تحلیل رگرسیون خطی سادهٔ دو متغیره، روابط علی بین متغیرها تبیین شود.

مطابق با جدول بالا، رابطهٔ بین تمامی ابعاد خشونت (مالی، جسمی، عاطفی، جنسی، اجتماعی، کلامی و روانی) با احساس امنیت زنان در محیط خانواده، منفی و به طور معکوس بوده و با ضرایب شدت رابطه متفاوت و سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۱ و ۰/۰۵ به دست آمده است. باتوجه به الگوی تحلیل، برای بررسی رابطهٔ علی بین

جدول ۱۱- رگرسیون خطی سادهٔ متغیر خشونت و متغیر وابسته احساس امنیت

معناداری	F	R تعدیل شده	R	معناداری	T	بتا	خطای معیار	B	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۷۰/۴۶۶	۰/۱۵۵	۰/۳۹	۰/۰۰۰	۸/۳۹۴	۰/۳۹	۰/۱۸	۱/۵۱	امنیت جانی	خشونت علیه زنان
۰/۰۰۰	۷۶/۳۹	۰/۱۶۶	۰/۴۱	۰/۰۰۰	۸/۷۴	۰/۴۱	۰/۱۸	۱/۶۰	امنیت مالی	خشونت علیه زنان
۰/۰۰۰	۶۴/۵۵۴	۰/۱۴۳	۰/۳۸	۰/۰۰۰	۸/۰۳	۰/۳۸	۰/۱۹	۱/۵۷	امنیت هویتی	خشونت علیه زنان
۰/۰۰۰	۱۳۴/۴۲۶	۰/۳۴۸	۰/۵۹	۰/۰۰۰	۱۴/۲۶	۰/۵۹	۰/۱۳	۱/۹۰	احساس امنیت کل	خشونت علیه زنان

۰/۵۹، گفتنی است که متغیر مستقل، به خوبی متغیر وابسته امنیت را تبیین کرده است. از آنجایی که در رگرسیون خطی

باتوجه به جدول بالا، در بررسی تأثیر خشونت بر احساس امنیت کل آن در الگوی رگرسیونی با مقدار ضریب بتای

جانی (۰/۱۵۵)، امنیت مالی (۰/۱۶۶) و امنیت هویتی (۰/۱۴۳) به دست آمده است؛ در نتیجه، متغیر خشونت علیه زنان، هریک از این ابعاد را به ترتیب به میزان ۱۵/۵٪، ۱۶/۶٪ و ۱۴/۳٪ تبیین کرده است.

جدول‌های زیر نتایج اصلی رگرسیون را نشان می‌دهند. برای تحلیل شدت میزان تأثیر متغیرهای مستقل (نگرش مردسالارانه، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، تجربه و مشاهده خشونت و تحریک روانی شوهر) بر متغیر وابسته (خشونت علیه زنان) از این نتایج استفاده شده است. در این جدول، ضریب بتا اهمیت نسبی متغیرها را بیان می‌کند و بزرگ بودن بتا اهمیت و تأثیر آن را در پیشگویی متغیر وابسته مشخص می‌کند.

ساده، مقدار بتا با مقدار همبستگی چندگانه (R) یکسان است، از تحلیل آن صرف نظر شده است. با افزایش خشونت علیه زنان، میزان احساس امنیت آنها در همه ابعاد امنیت کاهش می‌یابد با توجه به مقادیر مشاهده شده در جدول امنیت مالی بیشترین تأثیر را برجای گذاشته است.

باتوجه به مقدار R تعدیل شده که برای احساس امنیت کل برابر ۰/۳۴۸ است، متغیر خشونت علیه زنان ۳۴/۸٪ از تغییرات احساس امنیت زنان را تبیین کرده است. همچنین در بررسی تأثیر خشونت علیه زنان بر احساس امنیت جانی، مالی و هویتی نیز با مقادیر بتای به ترتیب ۰/۳۹، ۰/۴۱ و ۰/۳۸، متغیر مستقل به خوبی هر یک از ابعاد احساس امنیت را تبیین کرده است. باتوجه به مقدار R تعدیل شده، برای احساس امنیت

جدول ۱۲- رگرسیون خطی چندمتغیره شاخص‌های متغیر مستقل و متغیر وابسته

سطح معناداری	t	ضرایب معیار نشده		متغیرهای مستقل
		ضرایب معیار شده	B	
		بتا	خطای معیار	
۰/۰۰۰	۱۴/۵۶۸	۰/۵۰۷	۰/۱۱۲	نگرش مردسالارانه
۰/۰۰۰	۴/۹۲۴	۰/۱۷۳	۰/۱۴۵	پایگاه اقتصادی و اجتماعی
۰/۰۰۰	۸/۹۲۹	۰/۳۱۰	۰/۱۳۳	تجربه و مشاهده خشونت
۰/۰۰۰	۶/۴۰۲	۰/۲۲۴	۰/۱۳۷	تحریک روانی شوهر

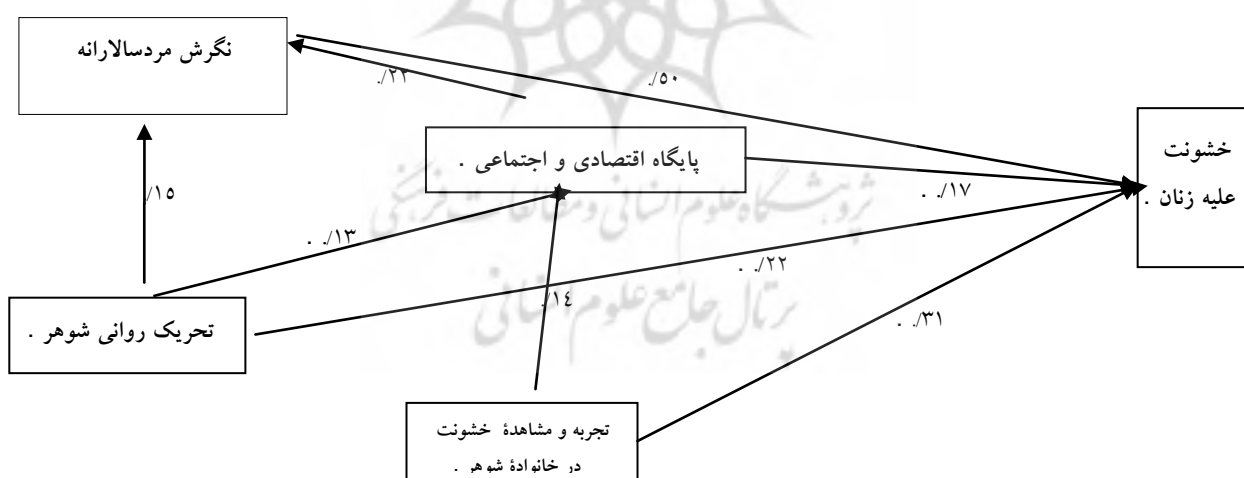
تحریک روانی شوهر با مقدار بتای ۰/۲۲۴ نیز در تبیین متغیر خشونت علیه زنان سهم داشته اند. مقدار t، اهمیت نسبی حضور هر متغیر مستقل را در الگو نشان می‌دهد. باتوجه به مقدار t در این تحقیق که برای همه متغیرها بزرگ تر از ۲/۳۳ و در سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۱ معنی دار است؛ در نتیجه، متغیرهای مدنظر تأثیر معنی داری در تبیین متغیر وابسته داشته اند. باتوجه به مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها که ۰/۷۶۱ است، بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته خشونت علیه زنان همبستگی قوی وجود دارد. این متغیرها باتوجه به مقدار R^2 (۰/۵۸۰) تقریباً ۵۸٪ از تغییرات (وارianس) خشونت علیه زنان را تبیین می‌کنند که به عدد یک نزدیک بوده است و نشان‌دهنده تأثیر متوسط و خوب متغیرها

یافته‌های جدول بالا، رگرسیون خطی چند متغیر مستقل و متغیر وابسته را نشان می‌دهد که از روش هم زمان (Enter) استفاده شده است. از بین چهار متغیر مستقل (نگرش مردسالاری، تجربه و مشاهده خشونت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و تحریک روانی شوهر) موجود در الگوی رگرسیونی، متغیر نگرش مردسالارانه و متغیر تجربه و مشاهده خشونت، با مقدار ضریب بتای به ترتیب ۰/۵۰۷، ۰/۳۱۰ متغیر وابسته خشونت علیه زنان را به خوبی تبیین کرده است. نتیجه‌گیری می‌شود به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در این متغیرها، خشونت علیه زنان به میزان ۰/۵۰۸ و ۰/۳۱۱ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. همچنین متغیرهای پایگاه اقتصادی و اجتماعی با میزان بتای ۰/۱۷۳ و متغیر

که همه متغیرهای واردشده زیر: نگرش مردسالارانه (با مقدار بتا ۰/۵۰)، تجربه و مشاهده خشونت در خانواده مبدأ (با مقدار بتای ۰/۳۱)، پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان (با مقدار بتا ۰/۱۷) و تحریک روانی شوهر (با مقدار بتا ۰/۲۲) در الگوی رگرسیونی، تأثیر مستقیم در متغیر وابسته خشونت علیه زنان داشته‌اند. در نتایج آزمون تحلیل مسیر مشخص شده است که متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی (مقدار بتا برابر ۰/۲۲) و متغیر تحریک روانی شوهر (مقدار بتا برابر ۰/۱۵) تأثیر مستقیم و تأثیر غیرمستقیم به روش متغیر نگرش مردسالاری بر متغیر خشونت علیه زنان داشته‌اند. همچنین متغیرهای تحریک روانی شوهر (مقدار بتا برابر ۰/۱۳)، تجربه و مشاهده خشونت (با مقدار بتا ۰/۱۴) به روش پایگاه اقتصادی و اجتماعی بر متغیر وابسته، تأثیر غیرمستقیم داشته‌اند.

در تبیین واریانس متغیر وابسته است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۵۷۵ است و باتوجه به تعدیل شدن این ضریب با درجات آزادی، برای انعکاس بیشتر میزان نکویی برازش الگو از آن استفاده می‌شود؛ بنابراین، باتوجه به مقدار متغیرهای واردشده، ۵۷/۵٪ از تغییرات خشونت علیه زنان را تبیین کرده‌اند. مابقی این تغییرات (۴۲/۵٪) تحت تأثیر متغیرهای خارج از الگو است. باتوجه به مقدار آزمون تحلیل واریانس ۱۲۹/۷۴۳ که در سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۱ معنادار است، الگوی رگرسیونی تحقیق مرکب از چهار متغیر مستقل و یک متغیر وابسته (خشونت علیه زنان)، الگوی خوبی بوده است و این متغیرها قادرند تغییرات میزان خشونت علیه زنان را در شهر میانه تبیین کنند و نتایج به دست آمده درخور تعمیم به جامعه است.

باتوجه به آزمون رگرسیون چندمتغیره مشخص شده است



شکل ۲- نمودار تحلیل مسیر

جدول ۱۳- اثر کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (خشونت علیه زنان)

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم
نگرش مردسالارانه	۰/۵۰	۰
تجربه و مشاهده خشونت در خانواده شوهر	۰/۳۱	۰/۱۷ * ۰/۱۴
پایگاه اقتصادی و اجتماعی	۰/۱۷	۰/۵۰ * ۰/۲۲
تحریک روانی شوهر	۰/۲۲	۰/۱۳ * ۰/۱۵ * ۰/۳۱

بحث و نتیجه

در این تحقیق استنباط می‌شود: تفاوت‌های جنسی از بعد بیولوژیکی در زنان و مردان موجب برتری جنس مرد بر جنس زن را فراهم نموده است و جنسی دیگر به نام جنس دوم را در پهنه روزگار ما رقم زده است؛ وگرنه فمینیست‌ها حکم بر عدم تعیین‌کنندگی آن داده‌اند، اما می‌توان به جرأت گفت که فرهنگ هر جامعه‌ای قوام دهنده، تشدیدکننده و یا از بین برنده آن خواهد بود.

آنچه زنان را به موجودی ضعیف، آسیب‌پذیر، ناتوان و ... تبدیل کرده است، تنها ویژگی‌های جسمانی و بیولوژیکی آنها نیست؛ بلکه فرهنگ نهفته در دل جامعه است که سبب تشکیل باورهایی مانند برتری یک جنس بر جنس دیگر شده است. در واقع، نگرش‌ها، باورها و الگوهای فرهنگ مذکر از مهم‌ترین عوامل ساختاری زمینه‌ساز بر تقویت چرخه‌های خشونت علیه زنان است. در این تحقیق سعی بر این بوده است که جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان و عوامل مؤثر بر آن و همچنین رابطه این پدیده اجتماعی با احساس امنیت زنان در محیط خانه، به روش پیمایشی در شهر میانه در استان آذربایجان شرقی مطالعه شود.

در مطالعه حاضر هفت نوع خشونت علیه زنان طبقه‌بندی شده است. خشونت روانی، جنسی، جسمی، عاطفی، کلامی مالی و اجتماعی، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بالاترین میزان خشونت به ترتیب از نوع خشونت عاطفی، کلامی و روانی و کمترین آن، خشونت اجتماعی بوده است و خشونت‌های جنسی، جسمی (فیزیکی) و مالی در سطح متوسط ارزیابی شده‌اند. در نهایت، میزان کل خشونت علیه زنان در شهر میانه بالاست (۸۱/۸). بنا بر تحقیقات انجام شده در ایران، به‌طور کلی خشونت‌های عاطفی و روانی مانند توهین، استفاده از الفاظ رکیک، تحقیر و ... بیش از خشونت‌های جسمی رواج دارد که آثار آن برخلاف خشونت جسمی به‌سرعت آشکار نمی‌شود؛ باوجود این، در طولانی مدت اثرات مخرب فراوانی در پی دارد. درخشان پور و

همکاران (۱۳۹۳) در بندرعباس به این نتیجه رسیدند که ۹۲٪ از زنان مطالعه شده در بندرعباس، خشونت علیه آنها صورت گرفته است و میزان این خشونت را در این شهر بالا گزارش کردند که مطابق با آن، در تحقیق حاضر نیز خشونت علیه زنان ۸۱/۸٪ بوده است. همچنین درخشان پور، شایع‌ترین خشونت را روانی و عاطفی (۵۴٪) ارزیابی کرده و خشونت‌های کلامی، فیزیکی و جنسی را به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار داده است. در تحقیق محمدی و میرزایی (۱۳۹۱)، خشونت روانی و عاطفی بیش‌ترین نوع خشونت علیه زنان در شهرستان روانسر گزارش شده است و مطابق با آن در تحقیق حاضر نیز بیشترین فراوانی‌ها مربوط به خشونت روانی، عاطفی و کلامی است. همچنین نتایج تحقیق حاضر، عکس تحقیق هان سونگ و همکارانش (۲۰۱۵) را ثابت می‌کند. هان سونگ، خشونت اجتماعی را بیشترین نوع خشونت ارزیابی کرده است؛ ولی در تحقیق حاضر با توجه به شرایط فرهنگی اجتماعی سنتی حاکم، این نوع خشونت کمترین نوع خشونت اعمال‌شده بر زنان است.

همان‌طور که در قسمت آمار توصیفی آمده است، میزان احساس امنیت زنان در محیط خانه در سطح متوسط و رو به پایین ارزیابی شده است (۴۴/۸ درصد). با توجه به مقدار خشونت علیه زنان که ۸۱/۸٪ است، طبیعی به نظر می‌رسد که احساس امنیت کمی داشته باشند. بین انواع احساس امنیت، جانی، مالی و هویتی که برای زنان شهر میانه در نظر گرفته شده است، زنان احساس امنیت هویتی کمتری نسبت به سایر ابعاد احساس امنیت دارند؛ ولی در برخورداری از امنیت مالی و جانی احساس می‌شود شرایط بهتری برای آنها برقرار است. در زمینه احساس امنیت در محیط خانواده، تحقیقی انجام نشده است، به جز تحقیق ساروخانی و نویدنیا (۱۳۸۵) که البته این پژوهشگران، امنیت اجتماعی خانواده را با توجه به عوامل اثرگذار بر آن بررسی کرده‌اند؛ بنابراین، یافته‌ها یکدیگر را پوشش نمی‌دهند. براساس نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی، فرایند جامعه‌پذیری در خانواده، گرایش‌های جنسیت زن و

خانواده مبدأ با خشونت روانی، فیزیکی، جنسی و خشونت کلی رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. یافته‌های تحقیق صدقاتی فرد و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد نگرش مردسالارانه یا پدرسالاری تأثیر معناداری بر خشونت علیه زنان دارد که مطابق با آن، تحقیق حاضر نیز این فرض را تأیید می‌کند. یافته‌های تحقیق سیاه‌پوش و همکاران (۱۳۸۹) و تحقیق کلمندی (۲۰۱۵) نیز با یافته‌های تحقیق حاضر مطابقت دارد؛ به طوری که در این تحقیقات مانند تحقیق حاضر، به رابطه معناداری بین تجربه و مشاهده خشونت و نگرش مردسالارانه با خشونت علیه زنان اشاره شده است. نظریه پدرسالاری، هویت مردانه (همان خشونت‌ورزی) را ستایش می‌کند و به کسانی که نقش مردانه اعمال می‌کنند و به آن احترام می‌گذارند، قدرت و امتیاز می‌بخشد و این امر را نهادینه می‌کند که فرمان‌دادن و در صورت اقتضا درجاتی از خشونت مرد، طبیعی و متعارف تلقی می‌شود و از زن، فرمان‌بردن و تمکین انتظار می‌رود. اقتدار مردانه و نظارت دقیق او بر همه امور از جمله رفت و آمد و کردار زن، نماد حفظ کیان خانواده، جامعه، ارزش‌ها و قواعد آن است؛ به طوری که در تحقیق حاضر نیز این موارد اثبات شده است. براساس نظریه گود، رابطه آشکار بین قدرت و منابع در خانواده وجود دارد و قدرت، توانایی بالقوه یک عنصر برای نفوذ و تسلط بر رفتار دیگری تعریف می‌شود؛ همان طور که سطح پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان (تحصیلات، شغل و درآمد) تأثیر معناداری (هرچند در سطح ضعیف) بر میزان خشونت علیه آنها دارد. یافته‌های تحقیق درخشان‌پور و همکاران (۱۳۹۳)، یکی از دو عامل مهم اثرگذار بر خشونت علیه زنان را تحصیلات آنها بیان کرده است که مطابق با آن، در پژوهش حاضر نیز متغیر پایگاه تأثیر معنی داری بر خشونت علیه زنان داشته است. نتایج تحقیق حاضر در معناداری و تأثیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان بر میزان خشونت علیه آنها با تحقیق واندراند (۲۰۱۵) مطابقت کامل دارد که به رابطه منفی بین درآمد و میزان خشونت علیه زنان رسیده بود. نظریه‌های فمینیستی

مرد را درونی کرده است و آن را به فرزندان انتقال می‌دهد و باعث دائمی شدن سلطه مرد و مطیع بودن زن می‌شود؛ زیرا معمولاً از زنان تصویری آرام، مطیع و عاطفی و از مردان تصویری مستقل، توانا و مصمم رسم کرده است. همچنین نظریه پدرسالاری، هویت مردانه (همان خشونت‌ورزی) را ستایش می‌کند و به کسانی که نقش مردانه اعمال می‌کنند و به آن احترام می‌گذارند، قدرت و امتیاز می‌بخشد و این امر را نهادینه می‌کند که فرمان‌دادن و در صورت اقتضا درجاتی از خشونت مرد، طبیعی و متعارف تلقی می‌شود و از زن، فرمان‌بردن و تمکین انتظار می‌رود. اقتدار مردانه و نظارت دقیق او بر همه امور از جمله رفت و آمد و کردار زن، نماد حفظ کیان خانواده، جامعه، ارزش‌ها و قواعد آن شناخته می‌شود. در بررسی فرضیه‌های تحقیق، تمامی آنها تأیید شده‌اند؛ به طور مثال، تأثیر نگرش مردسالارانه (پدرسالاری)، بیشترین تأثیر (۰/۵۰٪) را بر خشونت علیه زنان داشته است و رابطه بین این دو متغیر براساس تحلیل رگرسیونی و تحلیل مسیر معنادار و مستقیم به دست آمده است. همچنین در بررسی رابطه و تأثیر تجربه و مشاهده خشونت در خانواده پدرشوهری و پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان بر خشونت علیه آنها باید بیان کرد رابطه بین این متغیرها و خشونت علیه زنان، معنادار و با ضریب تأثیر متوسطی به دست آمده است. براساس نظریه یادگیری اجتماعی، بیشتر رفتارهای انسان با مشاهده و در خلال فرایند الگوسازی فراگرفته می‌شوند. باتوجه به این دیدگاه، پدیده یادگیری اجتماعی، بیشتر ناشی از تجاربی است که با مشاهده رفتار فرد دیگر و پیامدهای آن شکل می‌گیرد. به اعتقاد باندورا، فرزندان از والدین خود یاد می‌گیرند که چگونه خشونت بورزند.

براساس نظریه انتقال بین نسلی نیز که برپایه نظریه یادگیری اجتماعی استوار است، افرادی که در خردسالی خشونت را در خانواده تجربه می‌کنند یا شاهد آن هستند، به احتمال زیاد در بزرگسالی آن را به کار خواهند گرفت. نتایج تحقیق حاضر، نشان می‌دهد بین تجربه و مشاهده خشونت در

را به رابطه‌ی یک‌طرفه و توأم با خشونت تبدیل می‌کند و باعث سردمزاجی زن و نارضایتی مرد از زندگی زناشویی می‌شود که در قالب بداخلاقی، تندمزاجی، بهانه‌گیری و انواع خشونت علیه زنان نمود می‌یابد و در نهایت به جدایی و طلاق می‌انجامد. این امر، اگر در برخی خانواده‌ها به طلاق منجر نشود، بروندهای دیگری از جمله بروز انواع انحرافات اجتماعی و اخلاقی را به دنبال خواهد داشت. نتایج به دست آمده از این پژوهش ممکن است در ارتقا و بهبود وضعیت زنان خشونت‌دیده مؤثر باشد و برای مجریان و متصدیان برنامه‌ریزی اجتماعی نیز اهمیت و فایده‌ی چشم‌گیری داشته باشد. باتوجه به نتایج تحقیق حاضر، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

افزایش سطح تحصیلات و آگاهی خانوادها به‌ویژه تحصیلات زنان؛

زمینه‌سازی هرچه بیشتر بسترهای مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی؛
تلاش برای ارتقای برابری جنسیتی^۱ در خانواده‌ها و جامعه؛

آگاهی زوجین نسبت به حقوق همدیگر؛
ایجاد فرصت‌های شغلی و توانمندسازی بیشتر زنان برای بهتر شدن سطح زندگی و رفاه آنها، زیرا تازمانی که زنان وابستگی اقتصادی به مردان داشته باشند و ارزش‌های اجتماعی‌شان فقط از نقش‌های مادری و همسری کسب شود، هرگز از خشونت رهایی نمی‌یابند.

همچنین برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود:
پرسش‌نامه‌ای استاندارد، مناسب فرهنگ‌های مختلف طراحی شود و تعاریف مشخص از رفتارهای مرتبط با هر نوع خشونت ارائه شود.

همچنین انجام مطالعات بیشتر درباره‌ی تفاوت‌های قومیتی، طراحی مطالعات مبتنی بر جمعیت و برنامه‌ریزی برای آموزش پیشنهاد می‌شود.

پدرسالاری نشان می‌دهد که نظریه‌ی یادگیری اجتماعی و سایر نظریه‌های به‌کاررفته، به‌تنهایی قادر به تبیین خشونت علیه زنان نیستند؛ یعنی اگر یادگیری الگوهای خشونت علیه زنان در خانواده اتفاق بیفتد و نابرابری و تضاد منابع سبب بروز خشونت شود، ریشه‌ی اصلی در عوامل ساختاری و سلطه‌ی فرهنگ پدرسالاری است و رویکرد جامعه‌شناختی برای تبیین مسأله‌ی خشونت علیه زنان، بدون توجه به این عامل ساختاری که در ساخت خانواده انعکاس دارد، پاسخی قانع‌کننده‌ای برای آن نمی‌یابد. خشونت علیه زنان، تأیید نوع خاصی از نظم اجتماعی و ناشی از باوری اجتماعی و فرهنگی است که زنان را کم‌اهمیت‌تر از مردان تلقی می‌کنند و آنها را شایسته احترام نمی‌دانند و معتقدند چنانچه در این نظم، زنان چالشی ایجاد کنند، باید با خشونت با آنها برخورد شود (بزدخواستی و شیرینی، ۱۳۸۸: ۷۶).

در نهایت تأثیر میزان خشونت در زنان بر احساس امنیت جانی، مالی و هویتی آنها بررسی شده است که باتوجه به بالا بودن میزان خشونت علیه زنان و پایین بودن احساس امنیت آنها، رابطه‌ی معکوس و منفی در بررسی فرضیات به دست آمده است؛ به طوری که با افزایش هر یک از انواع خشونت علیه زنان، میزان احساس امنیت جانی، مالی و هویتی آنها کاهش می‌یابد. خانواده از جمله نهادهای اجتماعی است که در پیدایش یا زوال امنیت نقش دارد؛ زیرا احساس امنیت فردی، در دوران کودکی شکل می‌گیرد و زمینه‌ی رشد اجتماعی را فراهم می‌کند و باعث می‌شود فرد در آینده در برخورد با پدیده‌های اجتماعی با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری عمل کند. متأسفانه، سخن گفتن از مسائل جنسی در فرهنگ ما مذموم است و راوی، فردی بیمار و منحرف محسوب می‌شود. دختران ما با ناآگاهی نسبت به این مسأله، وارد زندگی زناشویی می‌شوند. تأکید بر حجب و حیا، بسیاری از زنان را وادار کرده است حتی در خصوصی‌ترین مکان با همسرشان، خواسته‌ها و رفتار موردپسند خود را بیان نکنند. همین امر و بسیاری تابوهای دیگر نقش بسته در ذهن آنها، رابطه‌ی زناشویی

^۱ gender equity

۷۵ - ۹۴

خلیلی، ر. (۱۳۸۱). «مهاجرت نخبگان، پدیده‌ای اجتماعی یا موضوع امنیت ملی، تهران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۵، ش ۲، ص ۴۴۱-۴۲۱.

درخشان‌پور، ف.؛ محبوبی، ح. و کشاورزی، س. (۱۳۹۳). «شیوع خشونت خانگی علیه زنان در بندرعباس»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان، دوره ۱۶، ش ۱ (۴۹)، ص ۱۲۶-۱۳۱.

رأس، آ. (۱۳۷۵). روان‌شناسی شخصیت، ترجمه: سیاوش جمال فر، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.

روی، م. (۱۳۷۷). زنان کتک خورده: روان‌شناسی خشونت در خانواده، ترجمه: مهدی قراچه داغی، چاپ اول، تهران: نشر علمی.

ریتزر، ج. (۱۳۸۳). نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ هشتم.

ساروخانی، ب. (۱۳۷۵). مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش.

ساروخانی، ب. و نویدنیا، م. (۱۳۸۵). «امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران»، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۶، ش ۲۲، ص ۸۷-۱۰۶.

شیخی، م.؛ کمالی، ا. و جهان‌آرای، ث. (۱۳۹۰). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی در میان مادران کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر شهرستان اسلام‌شهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته پژوهش علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهرا.

صداقتی‌فرد، م.؛ پیرخائفی، ع. و قاسمی، م. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان در خانواده (با تأکید بر نقش نظام اقتداری در خانواده)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد

گسترش دادن فرهنگ گفتگو، مذاکره، مشورت و هم‌فکری بین اعضای خانواده (به ویژه زن و شوهر). به نظر می‌رسد این فرهنگ بین خانواده‌ها در کنار سایر اقدامات آموزشی مستمر قادر است در ساختارهای اجتماعی، قوانین، آداب و رسوم، باورها و نگرش‌های اجتماعی رخنه کند که از اقتدار و نابرابری اعضا حمایت می‌کنند و به‌طور متقابل با اصلاح و تغییر این ساختارها شاهد اصلاح فضای درون خانواده‌ها نیز خواهیم شد.

منابع

آبوت، پ. و کلر، و. (۱۳۹۱). جامعه شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی، چاپ سوم، تهران: نشر نی.

ارجمندسیاه‌پوش، ا. و عجم‌دشتی‌نژاد، ف. (۱۳۸۹). «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر خشونت علیه زنان در شهر اهواز»، مجله تخصصی جامعه‌شناسی، س ۱، ش ۳، ص ۹۱-۱۱۸.

اعزازی، ش. (۱۳۸۳). خشونت خانوادگی یا زنان کتک خورده، تهران: نشر سالی.

اعزازی، ش. (۱۳۸۰). جامعه شناسی خانواده، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

آقابیلگویی، ع. و آفاخانی، ک. (۱۳۸۳). «بررسی پدیده همسرآزاری در شهر تهران سال ۱۳۷۹»، مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی، تهران: انتشارات آگاه. باندورا، آ. (۱۳۷۲). نظریه های یادگیری، ترجمه: فرهاد ماهر، شیراز: نشر راهگشا.


بستان، ح. (۱۳۸۲). «نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم»، ناشر: پژوهشکده حوزه و دانشگاه قم.

چلبی، م. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، چاپ اول، تهران: نشر نی.

حضور، ک. (۱۳۸۵). «بررسی وضعیت زنان خشونت دیده قبل و بعد از طرح شکایت در کلانتری»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، س ۳، ش ۸ و ۹، ص

- اسلامی واحد گرمسار، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، رشته جامعه‌شناسی.
- ضمیران، م. (۱۳۸۷). *میشل فوکو، دانش و قدرت*، تهران: نشر هرمن.
- طاهری، ش. (۱۳۹۱). «بررسی میزان و کیفیت خشونت فیزیکی علیه در خانواده، شهرستان خدابنده»، *مجله زن و پژوهش (دفتر امور بانوان وزارت کشور)*، ص ۶۹-۷۶.
- علیوردی‌نیا، ا.؛ ریاحی، م. و اسفندیاری، ف. (۱۳۸۹). «تیین نگرش دانشجویان دختر نسبت به خشونت علیه زنان، آزمون تجربی دیدگاه یادگیری اجتماعی»، *مجله مسائل اجتماعی ایران*، س ۱، ش ۱، ص ۱۰۳-۱۳۱.
- کاپلان، س. (۱۳۷۹). *خلاصه روان پزشکی*، ترجمه: نصرت اله پور افکاری، جلد دوم، تهران: انتشارات شهراب، کار، م. (۱۳۸۱). *پژوهش درباره خشونت علیه زنان در ایران*، تهران: نشر روشنگران.
- کلامی، ف. (۱۳۷۸). *بررسی عوامل مؤثر در زن‌آزاری در یکصد مورد مراجعه کننده به پزشکی قانونی تبریز*، پایان‌نامه دکتری دانشگاه علوم پزشکی تبریز، گیدنز، آ. (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). *تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- محمدی، ف. و میرزایی، ر. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان (مطالعه موردی شهرستان روانسر)»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ششم، ش ۱، ص ۱-۲۹.
- مجمع عمومی ملل متحد، قطعنامه ۱۰۴/۴۸، مورخ ۲۳ فوریه. (۱۹۹۳). *اعلامیه لغو خشونت علیه زنان*.
- نازپرور، ب. (۱۳۷۶). *بررسی موارد زن‌آزاری فیزیکی در مراکز پزشکی قانونی*، رساله دکتری پزشکی قانونی، دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- نوابی‌نژاد، ش. (۱۳۹۴). *نشست تخصصی خشونت خانگی در پژوهشگاه علوم انسانی، خبرگزاری دانشجویان ایران*، <http://isna.ir/fa/print/94091710274> (دسترسی به سایت ۱۷ آذرماه، ساعت ۱۲:۴۲).
- نهادندی، م. (۱۳۸۶). «پژوه کیفی در باب خشونت علیه زنان»، *مجموعه مقالات همایش زن و پژوهش*، تهران: دانشگاه تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان.
- یزدخواستی، ب. و شیرینی، ح. (۱۳۸۷). «ارزش‌های پدرسالاری و خشونت علیه زنان»، *فصلنامه مطالعات زنان*، س ۶، ش ۳، ص ۵۵-۷۹.
- American Psychological Association. (1996) "Violence and the Family: Report of the American Psychological Association Presidential Task Force on Violence and the Family P. 10. *Annals of Epidemiology*, 12(7): 525.
- Anderson CA Bushman, BJ. (2004) "Human aggression", *Annual Review of Psychology*, 53:27-51.
- Bandura, A. (1975) "*Social Learning Theory*", New York: General Learning Press.
- Blanca, M. & Bonnie, E. (2004) "Lifetime abuse and Mental Health Distress among English-Speaking Latinas". *Affilia Fall*, 19:239-256.
- Good, W.J. (1989) *The family*, second edition, Newdeih, Prentice hall of India.
- Good, W.J. (1971) "Force and Violence in the Family". *Journal of Marriage and Family*, 3(4): 29.
- Hoffman, K. L. Demo, D. H. Edward, J.N. (1994) "Physical Wife Abuse in Non- Western Society: An Integrated the Oretical Approach, *Journal of Marriage and the Family*, 56: 131-146.
- Kelmendi, K. (2015) "Domestic Violence Against Women in Kosovo. (Aqualitative Study of Women,s Experiences)", *Journal Interpers Violence*, 30(4): 680 -702.
- Kim, J. Y. Sehun, Oh. & Nam, S.I. (2009) "The Incidence and Impact of Family Violence on Mental Health among South Korean Women". *Korean Journal of Social Welfare*, 24:193-202..
- Krause, Kathleen, H. Robert, G. Vander end, K. & Yount, K. (2015) "Why Do Women Justify Violence against Wives More Often than Do Men in Vietnam?", *Journal Interpers Violen*e, 6:3150-3173..

- Sheldon, J. P. & Parent, S.L. (2002) "Clergy Attituds and Attribution of Balm Toward Femal Rape Victims", *Violence Against Women*, 8:233-256.
- Song, H. & Gnawali, SH. & Atteraya, M. (2015) "Factors Associated with Intimate Partner Violence against Married Women in Nepal", *Journal Interpers Violence*, 30(7):1226-1246.
- Swan, S. C. & Sullivan, T. P. (2009) "The Resource Utilozation of Women Whouse Violence Inintimate Relationship", *Journal of Interpersonal Violence*, 24:940-958..
- Vander Ende, K. E. Sibley, L. M. Cheong, Y. F. Naved, R. T. & Yount, K. M. (2015) "Community Economic Status and Intimate Partner Violence Against Women in Bangladesh Compositional or Contextual Effects?", *Violence Against Women*, 21(6): 679-699 .
- Zavala, E. (2007) *Non physical intimate partner violence emotional abuse and controlling behavior against women*. M.A. Dissertation. Department of Sociology, Anthropology and Social Work.College of Art and Sciences.The University of Texas at E paso.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

